اقتصاد و برنامه ریزی شهری
دوره ۸، شماره ۳

بررسی اثرات دست‌فروشی بر منظر شهری در بافت‌های تاریخی؛ مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ۸ کلان‌شهر تبریز

رعنا نجاری نابی[۱]؛ ناهیده رضائی[۲*]

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری معماری، دانشگاه شهید رجایی، دانشکدهٔ مهندسی معماری و طراحی شهری، تهران، ایران
۲. استادیار دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

مطالعهٔ موردی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی اثرات دست‌فروشی بر منظر شهری بافت تاریخی منطقهٔ ۸ کلان‌شهر تبریز انجام شده است. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد کیفی است. داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی، مشاهدهٔ میدانی، عکس‌برداری، مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته با ۴ نفر از مدیران و مسئولان شهری و بیش از ۳۰ نفر از دست‌فروشان و بررسی اسناد مرتبط با ساماندهی دست‌فروشان گردآوری شد. تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل مضمون، تحلیل توصیفی تطبیقی و مثلث‌سازی داده‌ها صورت گرفت. تحلیل مضمون نشان می‌دهد دست‌فروشی در محدودهٔ مطالعه ابعاد گوناگونی دارد. مضامین اصلی شامل پویایی‌های معیشتی، جاذبه‌ها و محدودیت‌های مکان‌گزینی، تنوع رفتاری، سازمان فضایی، تأثیر بر منظر تاریخی، تعلق خاطر اجتماعی و ادراک کیفیت محیطی است. این فعالیت علاوه بر نقش اقتصادی، با روابط تکرارشوندهٔ فروشنده ـ مشتری و تنوع استفاده از فضا همراه است. استقرار دست‌فروشان عمدتاً تابع میزان تردد و مجاورت با مراکز تجاری است و تراکم بساط‌ها می‌تواند حرکت عابران را مختل کند و دیدپذیری عناصر تاریخی را کاهش دهد. مضامین نوظهوری مانند قلمروخواهی غیررسمی، توافق‌های روزمره، شبکه‌های حمایت و تاب‌آوری معیشتی نیز شناسایی شد. حضور دست‌فروشان به حیات اجتماعی کمک می‌کند، اما تراکم بیش از حد موجب ازدحام و کاهش کیفیت ادراک منظر می‌شود. نتایج حاصل از مصاحبه با متخصصان نیز نشان می‌دهد ناکارآمدی ساماندهی دست‌فروشان حاصل عواملی همچون ضعف سیاست‌گذاری، ناهماهنگی نهادی و رویکردهای مقطعی است و بر ضرورت ساماندهی مشارکتی و تدریجی تأکید دارد.

کلمات کلیدی

دست‌فروشی
منظر شهری
بافت تاریخی
ساماندهی شهری
تبریز

* نویسندهٔ مسئول: nahideh.rezaei@tabriziau.ac.ir

COPYRIGHTS
©2027 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Najjari Nabi R. Rezaei N. Examining the effects of street vending on the urban landscape in historic districts: A case study of District 8 in Tabriz. *Urban Economics and Planning* 8(3):42-61.

DOI: 10.22034/uep.2026.596227.1982

۱. مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و تحولات ساختاری اقتصاد در کشورهای درحال‌توسعه، به‌ویژه از نیمهٔ دوم قرن بیستم، زمینهٔ گسترش بخش غیررسمی اقتصاد شهری را فراهم کرده است. محدودیت فرصت‌های اشتغال رسمی، مهاجرت نیروی کار به شهرها و ناتوانی اقتصاد رسمی در جذب جمعیت فعال، موجب شده است بخشی از گروه‌های کم‌درآمد برای تأمین معاش به فعالیت‌های غیررسمی، از جمله دست‌فروشی، روی آورند (Rezaei & Najjari Nabi, 2024:159). دست‌فروشی خیابانی از رایج‌ترین شکل‌های این فعالیت‌هاست که در بسیاری از شهرهای جهان، به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه، حضور گسترده‌ای دارد و بخشی از چشم‌انداز اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها را شکل می‌دهد. دست‌فروشان با عرضهٔ کالاها و خدمات نسبتاً ارزان و در دسترس، علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای روزمرهٔ شهروندان، برای گروهی از جمعیت شهری نیز منبع اشتغال و درآمد محسوب می‌شوند (According to Nesaei et al., 2025:23; Martínez et al., 2017: 2; Woldeamanuel, 2023: 1).

حضور دست‌فروشان در فضاهای عمومی شهری، به‌ویژه معابر، پیاده‌راه‌ها، میادین و بازارها، پیامدهای دوگانه‌ای دارد که از یک سو، می‌تواند به افزایش سرزندگی، تعاملات اجتماعی، حضورپذیری و نظارت طبیعی بر فضا کمک کند و بخشی از حیات روزمره و اقتصاد شهری را شکل دهد (Roy, 2005: 155-15; Anjaria, 2006: 2142-2143) و از سویی دیگر، استقرار متراکم و فاقد سازمان‌دهی مناسب دست‌فروشان می‌تواند با اشغال فضای عمومی، کاهش عرض مؤثر پیاده‌روها، اختلال در حرکت و دسترسی، ایجاد ازدحام و بی‌نظمی بصری، کیفیت منظر شهری را تحت تأثیر قرار دهد (Bromley, 2000: 1; Dimas, 2008: 4). از این‌رو، مسئلهٔ دست‌فروشی را نمی‌توان فقط در قالب حذف یا پذیرش این فعالیت تعریف کرد؛ بلکه چالش اصلی، برقراری تعادل میان نیازهای معیشتی و اقتصادی دست‌فروشان و حفظ کیفیت، کارکرد و مطلوبیت فضای عمومی و منظر شهری است.

در ایران نیز گسترش شهرنشینی، محدودیت اشتغال رسمی و نابرابری‌های اقتصادی، به توسعهٔ فعالیت‌های غیررسمی و حضور گستردهٔ دست‌فروشان در فضاهای پرتردد شهری انجامیده است. این فعالیت، اگرچه برای بخشی از گروه‌های کم‌درآمد منبع مهم درآمد محسوب می‌شود؛ اما در صورت استقرار نامناسب می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش عرض مفید پیاده‌روها، افزایش ازدحام، اختلال در حرکت عابران و ایجاد ناهنجاری‌های بصری در منظر شهری به همراه داشته باشد (Nazmfar et al., 2015: 28-30). این چالش در بافت‌های تاریخی و سنتی شهرها، به دلیل حساسیت‌های کالبدی، فرهنگی و میراثی، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا نحوهٔ استقرار فعالیت‌های تجاری می‌تواند علاوه بر کیفیت بصری، بر هویت و منظر فرهنگی این محدوده‌ها نیز اثرگذار باشد.

منطقهٔ ۸ کلان‌شهر تبریز، به عنوان هستهٔ تاریخی و فرهنگی شهر، با برخورداری از مجموعه‌ای از آثار و عناصر ارزشمند تاریخی همچون مجموعهٔ بازار جهانی تبریز، مسجد کبود، ارگ علیشاه، عمارت شهرداری و خانه‌های تاریخی، نقشی مهم در شکل‌دهی به هویت جمعی و جذب گردشگران دارد. در چنین بستری، استقرار نامنظم دست‌فروشان در معابر و فضاهای پیرامونی عناصر تاریخی، اگرچه بخشی از سرزندگی بافت و زمینهٔ تأمین معاش گروهی از شهروندان را فراهم می‌کند، در صورت نبود برنامه‌ریزی مکان‌محور می‌تواند به آشفتگی در سیمای شهری منجر شود.

در این چارچوب، مسئلهٔ دست‌فروشی در بافت تاریخی منطقهٔ ۸ کلان‌شهر تبریز، بیش از آنکه به اصل حضور این فعالیت در فضای شهری محدود شود، به چگونگی استقرار، توزیع و سازمان‌یابی آن در تعامل با ساختار فضایی، عملکردی و ارزش‌های تاریخی ـ فرهنگی بافت مربوط است. استقرار دست‌فروشان در معابر و فضاهای پیرامون عناصر تاریخی، از یک‌سو در شکل‌گیری حیات اجتماعی، اقتصادی و نحوهٔ استفاده از فضای عمومی نقش دارد و از سوی دیگر، در صورت تراکم و سازمان‌یابی نامناسب، می‌تواند از طریق اشغال فضای حرکتی، ایجاد تداخل در جریان حرکت، اختلال در پیوستگی و خوانایی بصری و کاهش دیدپذیری عناصر تاریخی، کیفیت منظر شهری را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، تبیین نحوهٔ اثرگذاری دست‌فروشی بر مؤلفه‌های مختلف منظر شهری و شناسایی سازوکارهای فضایی و عملکردی مرتبط با آن، می‌تواند در جهت شناخت دقیق‌تر مسئله و تدوین رویکردهای متناسب برای ساماندهی این فعالیت در بافت تاریخی مؤثر باشد. بر این‌اساس، پژوهش حاضر با هدف واکاوی اثرات دست‌فروشی بر منظر شهری بافت تاریخی منطقهٔ ۸ کلان‌شهر تبریز انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش است که دست‌فروشی چگونه و از چه طریق بر منظر شهری این محدوده اثر می‌گذارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

دست‌فروشی در پژوهش‌های داخلی عمدتاً از منظر اقتصادی، اجتماعی، فضایی و مدیریتی بررسی شده است. مطالعهٔ ساماندهی دست‌فروشان محلهٔ کن تهران، نشان داد ایجاد بازارچه‌های محلی و ساماندهی فعالیت دست‌فروشان، علاوه بر بهبود شرایط محیطی و کاهش مشکلات ترافیکی، می‌تواند به تقویت فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محله منجر شود (Mazloomi & Estelaji, 2021). پسنده و همکاران (Pasandeh et al., 2022) با تمرکز بر زنان دست‌فروش مترو تهران، شکل‌گیری هویت اجتماعی آنان را متأثر از موقعیت شغلی، روابط اجتماعی و تجربه‌های روزمره دانستند. دادگرفرد و همکاران (Dadgarfard et al., 2025) نیز نقش حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی، آموزش و تسهیلات حمایتی را در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار مورد تأکید قرار داده‌اند. در ارتباط با پیامدهای فضایی و منظر شهری، رضائی و نجاری‌نابی (Rezaei & Najjari Nabi, 2024) با بررسی تجربه‌های ساماندهی دست‌فروشان در کشورهای مختلف، به دو وجه متفاوت این فعالیت اشاره کرده‌اند؛ از یک سو، ایجاد اشتغال و تقویت تعاملات اجتماعی و از سوی دیگر، در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب، شکل‌گیری آشفتگی بصری، افزایش ازدحام و کاهش کیفیت فضای شهری. در این مطالعه، تعیین مکان مناسب، حمایت قانونی، مشارکت دست‌فروشان و ایجاد بازارچه‌های سامان‌یافته به عنوان برخی از الزامات ساماندهی مطرح شده است.

در مطالعات خارجی، رابطهٔ دست‌فروشی با کیفیت و پویایی فضای عمومی، با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. پیمانی و کمالی‌پور (۲۰۲۵) با بررسی فضای شهری و دست‌فروشی در تهران، ارتباط آن را با ساختار فضایی شهر، حرکت عابران و پویایی فضاهای عمومی نشان داده و بر ظرفیت این فعالیت در ایجاد سرزندگی شهری تأکید کرده‌اند. دئور و لاتیا (۲۰۱۹) نیز در مطالعه‌ای در احمدآباد هند، حضور دست‌فروشان را با افزایش فعالیت، حضورپذیری، امنیت و سرزندگی خیابان‌ها مرتبط دانستند. جیکوب

(۲۰۲۳) در مرور نظام‌مند پژوهش‌های مرتبط با دست‌فروشی و رفتار عابران پیاده، ضمن اشاره به گسترش این حوزه، کمبود مطالعات نظری و روش‌شناختی دربارهٔ تعامل دست‌فروشان، عابران و فضای شهری را برجسته کرده است. تالاواجولا (۲۰۲۳) نیز با طرح مفهوم عدالت فضایی، بر ضرورت توجه به نیازها و تجربه‌های دست‌فروشان و به‌کارگیری رویکردهای طراحی شهری فراگیر در ساماندهی فضاهای عمومی تأکید دارد.

در مجموع، پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد مطالعات پیشین عمدتاً بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی دست‌فروشی، ساماندهی آن و برخی پیامدهای فضایی و کالبدی این فعالیت تمرکز داشته‌اند؛ با این‌حال، بررسی هم‌زمان تأثیر دست‌فروشی بر مؤلفه‌های مختلف منظر شهری، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی، کمتر مورد توجه قرار گرفته که این پژوهش در صدد تأمین این شکاف است.

۳. مبانی نظری

۱.۳. منظر شهری

منظر شهری حاصل تعامل میان ویژگی‌های کالبدی محیط، فعالیت‌های انسانی و نحوهٔ ادراک و تجربهٔ کاربران از فضاست و از این‌رو، نمی‌توان آن را فقط به مجموعه‌ای از عناصر فیزیکی و بصری تقلیل داد. ساختار کالبدی شهر، بستر شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و این فعالیت‌ها نیز به نوبهٔ خود بر نحوهٔ استفاده از فضا، سازمان فضایی و کیفیت منظر تأثیر می‌گذارند (Shieh et al., 2017; Pakzad, 2016). بنابراین، منظر شهری پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه ماهیتی پویا و اجتماعی ـ فضایی دارد و متناسب با تغییر در فعالیت‌ها، الگوهای استفاده از فضا و تجربهٔ کاربران، طی زمان دستخوش تغییر می‌شود.

در تبیین این مفهوم، رویکردهای کلاسیک منظر شهری بر نقش ساختار کالبدی و نحوهٔ ادراک محیط در شکل‌گیری تصویر ذهنی شهر تأکید دارند. لینچ (۱۹۶۰) با معرفی عناصر مسیر، لبه، گره، نشانه و حوزه، ساختار کالبدی و سازمان فضایی شهر را از عوامل مؤثر بر خوانایی و شکل‌گیری تصویر ذهنی محیط می‌داند. کالن (۱۹۶۱) نیز با تأکید بر تجربهٔ بصری و توالی دیدها در جریان حرکت، بر رابطهٔ میان ساختار فضایی و ادراک محیط تأکید می‌کند.

برآیند این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد کیفیت منظر شهری حاصل برهم‌کنش میان ویژگی‌های کالبدی فضا، نحوهٔ ادراک و تجربهٔ آن است؛ با این‌حال، این تعامل بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های جاری در فضا کامل نمی‌شود. از این منظر، می‌توان منظر شهری را در قالب ابعاد کالبدی، عملکردی و ادراکی ـ معنایی بررسی کرد؛ ابعادی که در ارتباط متقابل با یکدیگر، کیفیت و هویت فضای شهری را شکل می‌دهند (Bacon, 1996; Pakzad, 2016).

بر مبنای این نگاه، فعالیت‌های انسانی بخشی از فرایند شکل‌گیری و بازتولید منظر شهری به شمار می‌روند و فضای شهری فقط ظرفی برای استقرار فعالیت‌ها نیست، بلکه ویژگی‌های فضایی آن نیز بر نحوهٔ شکل‌گیری و توزیع فعالیت‌ها اثر می‌گذارد. خیابان‌ها و فضاهای عمومی علاوه بر نقش ارتباطی، بستر حضور اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی هستند و نوع، شدت و نحوهٔ استقرار فعالیت‌ها می‌تواند بر الگوهای حرکت و توقف، میزان حضورپذیری، سرزندگی و تجربهٔ کاربران از فضا تأثیر بگذارد (Deore & Lathia, 2019). در نتیجه، بررسی منظر شهری مستلزم توجه هم‌زمان به ویژگی‌های کالبدی فضا و فعالیت‌هایی است که در آن جریان دارند.

دست‌فروشی نیز به عنوان یکی از فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی که وابستگی مستقیمی به فضاهای عمومی دارد، در همین چارچوب با منظر شهری ارتباط پیدا می‌کند. استقرار این فعالیت تابع عواملی همچون میزان جریان عابر، مجاورت با مراکز تجاری، اختلاط کاربری‌ها و ویژگی‌های کالبدی معابر است و در مقابل، نحوهٔ استقرار و تراکم آن می‌تواند بر سازمان فضایی و کیفیت استفاده از فضای عمومی اثر بگذارد (Peimani & Kamalipour, 2025). بنابراین، دست‌فروشی را نمی‌توان فقط یک فعالیت اقتصادی مستقر در فضای شهری در نظر گرفت؛ بلکه هم‌زمان می‌تواند بر ابعاد کالبدی، عملکردی و ادراکی ـ معنایی منظر شهری اثرگذار باشد.

بر این‌اساس، در پژوهش حاضر منظر شهری به عنوان پدیده‌ای چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که کیفیت آن از تعامل میان ساختار کالبدی، فعالیت‌های جاری و نحوهٔ ادراک و تجربهٔ محیط شکل می‌گیرد. جدول ۱، دیدگاه‌های مطرح‌شده دربارهٔ ابعاد منظر شهری را در مطالعات مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۱. ابعاد منظر شهری (Vahdat et al., 2015)

پژوهشگر	Researcher	ابعاد منظر شهری
لینچ (۱۹۶۰)	Lynch, 1960	ادراکی، کالبدی و کارکردی
کالن (۱۹۶۱)	Cullen, 1961	بصری و ساختاری
سوافلید (۲۰۰۵)	Swaffield, 2005	عوامل طبیعی و ذهنی
پاکزاد (۲۰۰۳)	Pakzad, 2003	فرم، کارکرد و معنا
گلکار (۲۰۰۶)	Golkar, 2006	عوامل ملموس، ذهنی و عاطفی
محمودی (۲۰۰۶)	Mahmoudi, 2006	پایداری، هویت، زیبایی و وحدت
بهزادفر (۲۰۰۸)	Behzadfar, 2008	عوامل کالبدی و غیرکالبدی، فعالیت‌های انسانی
منصوری (۲۰۰۹)	Mansori, 2009	ابعاد زیبایی‌شناختی، فرهنگی، کارکردی و هویتی

از مجموع موارد مطرح‌شده در بخش مبانی نظری می‌توان گفت که منظر شهری ابزاری است که می‌توان آن را به مثابه یک «سیستم» در نظر داشت که از تلفیق سه مؤلفهٔ «کارکردی»، «کالبدی» و «معنایی ـ ادراکی» شکل می‌گیرد. عناصر فیزیکی ـ کالبدی، ظرف فضا را شکل می‌دهند و عوامل انسانی، افراد و فعالیت جمعیت در فضا هستند که همراه با رفتارهای خود جزء جدانشدنی از فضا هستند (Pakzad, 2003: 115). لذا، منظر شهری دارای ظاهر و محتواست؛ منظر ظاهری دربردارندهٔ کالبد و منظر محتوایی شامل عملکرد و معناست.

۲.۳. اقتصاد غیر رسمی

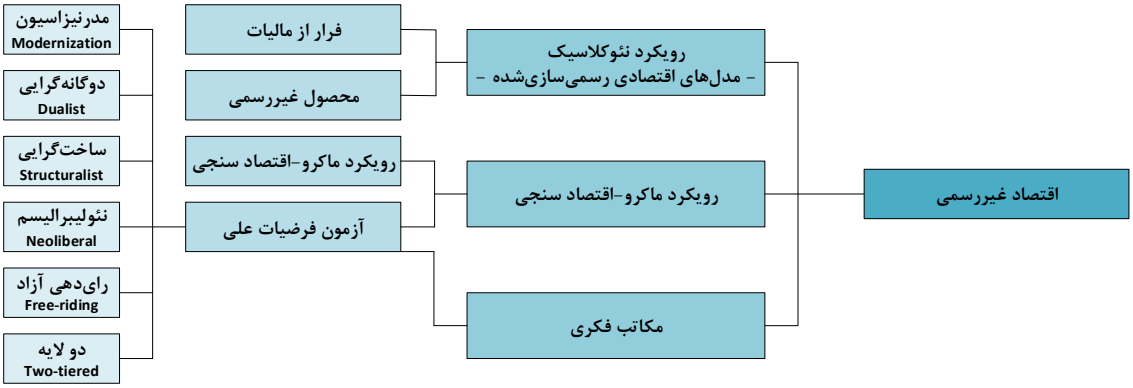
برای اولین‌بار کیث هارت (Keith Hart)، در سال ۱۹۷۱، در یک تحقیق کلاسیک دربارهٔ اقتصاد کشور غنا، واژهٔ اقتصاد غیررسمی (Informal Economy) را به مباحث اقتصاد وارد ساخت. ابتدا، فعالیت‌های غیررسمی عمدتاً در مقابل فعالیت‌های رسمی تعریف می‌شدند، اما در رویکردهای جدید، تمایز میان بخش غیررسمی، اشتغال غیررسمی و اقتصاد غیررسمی اهمیت بیشتری یافته است (Williams &Lansky., 2013).

سازمان بین‌المللی کار (International Labour Organization (ILO), ۲۰۲۱: ۱۱)، در خصوص اقتصاد غیررسمی می‌گوید؛ تمامی فعالیت‌های اقتصادیِ کارگران و واحدهای اقتصادی در ازای سود یا دستمزد که تحت پوشش ترتیبات رسمی قرار ندارند یا پوشش آن‌ها ناکافی است. این نوع اقتصاد، به عنوان یک پدیدهٔ جهانی، بخش بزرگ‌تری از نیروی کار را به‌ویژه در مناطق شهری به کار می‌گیرد (Cunningham et al., 2024) که از فضاهایی نظیر پیاده‌روها و حاشیهٔ خیابان‌ها، برای پیشبرد فعالیت‌های معیشتی‌شان اشغال کرده و از آن‌ها بهره‌برداری و استفاده می‌کنند (Anaafo et al., 2024; Banks et al., 2019).

دیدگاهی دیگر، اقتصاد غیررسمی را پیامدِ پویایی‌های قدرت و محدودیت‌های اقتصاد رسمی می‌داند و استدلال می‌کند که اقتصاد رسمی را می‌توان نوعی کنش گفتمانی در اقتصاد جریان اصلی دانست؛ کنشی که شکل‌های گوناگون حیات اقتصادی انسان را - که قادر به درک یا مهار آن‌ها نیست - طرد می‌کند و این‌گونه «اقتصاد غیررسمی» را پدید می‌آورد (Zhang & Zhao, 2025). با گسترش اهمیت و لزوم توجه به این امر، روی (۲۰۱۵) توضیح می‌دهد: اقتصاد غیررسمی بر پایهٔ حقی بنیادین شکوفا شده؛ حقی که در تقابل با برنامه‌ریزی شهریِ طردکننده قرار دارد و مبتنی بر رواداری است. با این‌حال یادآوریِ این نکته ضروری است که اقتصاد غیررسمی و ریشه‌های پیدایش آن یا راهکارهای پرداختن به آن لزوماً در دامنهٔ برنامه‌ریزی شهری قرار نمی‌گیرد و بیشتر از برنامه‌ریزی، به سیاست‌گذاری‌های عمومی و اقتصادی و شکست سیاست باز می‌گردد.

در ادامه به مدل‌های نظری مختلف ارائه‌شده در خصوص اقتصاد غیررسمی اشاره می‌شود. مطابق با شکل ارائه‌شده، این چارچوب‌های نظری شامل رویکرد نئوکلاسیک، ماکرو ـ اقتصادسنجی و در نهایت، مکاتب فکری ادبیاتی چندرشته‌ای است که رویکردهای نظری به اقتصاد غیررسمی را نظام‌مندی کرده و بر رابطهٔ دوجانبه بین بخش غیررسمی و رسمی تأکید ویژه دارد. در این‌میان، تفکر مدرنیزاسیون؛ اقتصاد غیررسمی را پدیده‌ای موقتی می‌داند که با توسعهٔ اقتصادی و گسترش اقتصاد رسمی به‌تدریج از بین می‌رود و علت اصلی آن، مازاد نیروی کار و کمبود فرصت‌های شغلی رسمی است (Dell'Anno, 2022). این نظریه توسط لویس (۱۹۵۴)، روستو (۱۹۶۰)، هریس و تودارو (۱۹۷۰) وراوچ (۱۹۹۱) پیشنهاد شده است. تفکر دوگانه‌گرایی، اقتصاد غیررسمی را بخشی نسبتاً مستقل و پایدار می‌داند که در فاصلهٔ میان اقتصاد مدرن رسمی و بیکاری شکل می‌گیرد و مهم‌ترین عوامل آن کمبود مهارت، محدودیت فرصت‌های رسمی و ناهماهنگی عرضه و تقاضای نیروی کار است (Dell'Anno, 2022). این نظریه توسط هارت (۱۹۷۳)، موزر (۱۹۷۸)، پورتس (۱۹۹۴) و توماس (۱۹۹۵) ارائه شده است. ساخت‌گرایی نیز اقتصاد غیررسمی را بخشی ساختاری و پایدار از نظام سرمایه‌داری می‌داند که بر اثر تجمع سرمایه و جهانی شدن شکل گرفته و بر وابستگی بخش غیررسمی به اقتصاد رسمی و بهره‌کشی از نیروی کار تأکید دارد (Dell'Anno, 2022). این نظریه توسط ایلو (۱۹۷۲) و چن و همکاران (۲۰۰۴) پیشنهاد شده است. در ادامه دل‌آنو (۲۰۲۰)، در خصوص رویکرد نئولیبرالیسم توضیح می‌دهد این رویکرد، اقتصاد غیررسمی را واکنش کارآفرینان و بنگاه‌ها به مالیات‌ها، قوانین و مقررات سنگین دولتی می‌داند. در این دیدگاه، کاهش مقررات و تقویت مالکیت و آزادی بازار می‌تواند فعالیت‌های غیررسمی را سامان دهد. این نظریه توسط دسوتو (۱۹۸۹) ارائه شده است.

مدل رأی‌دهی آزاد (انتخاب داوطلبانه)؛ غیررسمی بودن را نتیجهٔ انتخاب آگاهانه افراد و بنگاه‌ها بر اساس مقایسهٔ هزینه‌ها و منافع رسمی شدن می‌داند. در این رویکرد، افزایش مزایای رسمی بودن و بهبود اجرای قوانین می‌تواند انگیزهٔ خروج از اقتصاد غیررسمی را افزایش دهد. این نظریه توسط مالونی (۲۰۰۴)، بیلی و همکاران (۲۰۰۵) و فرل (۲۰۰۴) پیشنهاد شده است. مدل دو لایه نیز اقتصاد غیررسمی را حاصل ترکیب دو عامل محرومیت و انتخاب داوطلبانه می‌داند و بر تفاوت گروه‌های فعال در آن تأکید می‌کند. بنابراین، برای گروه‌های مختلف غیررسمی نمی‌توان یک سیاست واحد ارائه کرد و راهکارها باید متناسب با شرایط آنان باشد. این نظریه توسط هارت (۱۹۷۳)، موزر (۱۹۷۸)، پورتس (۱۹۹۴) و توماس (۱۹۹۵) پیشنهاد شده است (Dell'Anno, 2022). با توجه به ماهیت استقرایی این پژوهش، نظریه‌های مطرح‌شده در شکل ۱، به عنوان حساسیت‌های مفهومی[1] مورد توجه قرار گرفته‌اند تا پس از استخراج مضامین، تفسیر یافته‌ها عمق بیشتری پیدا کند.



شکل ۱. نظریه‌های اقتصاد غیررسمی (Dell'Anno, 2022)

۳.۳. دست‌فروشی و فضای عمومی

دست‌فروشی یکی از شکل‌های قدیمی فعالیت اقتصادی در فضای عمومی است و انتخاب محل آن معمولاً با میزان تردد، دسترسی، ویژگی معبر، مجاورت کاربری‌ها و امکان دیده شدن ارتباط دارد (Bromley, 2000; Saha, 2011). از این‌رو، دست‌فروشی را نمی‌توان فقط یک فعالیت اقتصادی خارج از نظام رسمی دانست؛ بلکه این فعالیت بخشی از نحوهٔ استفاده و تولید اجتماعی فضای عمومی نیز محسوب می‌شود.

حضور دست‌فروشان می‌تواند با افزایش تنوع فعالیت، حضورپذیری و تعاملات اجتماعی به سرزندگی فضای عمومی کمک کند. در مقابل، هنگامی که میزان و نحوهٔ استقرار آن‌ها با ظرفیت فضایی محیط تناسب نداشته باشد، ممکن است بخشی از مسیرهای حرکتی اشغال شود و دسترسی، حرکت و خوانایی فضا تحت تأثیر قرار گیرد (Jacob, 2023; Deore & Lathia, 2019).

از سوی دیگر، دست‌فروشی نوعی استفادهٔ موقت یا نیمه‌ثابت از فضای عمومی ایجاد می‌کند که در آن مرز میان فضای عمومی و فضای کاری تا حدی در هم می‌آمیزد. در نتیجه، مکان و شکل استقرار دست‌فروشان بخشی از فرایند مذاکرهٔ اجتماعی و فضایی بر سر دسترسی و استفاده از فضای عمومی است. جنبهٔ فضایی این فعالیت با جریان عابران، اختلاط عملکردی، مرز عمومی ـ خصوصی و میزان دسترسی به مشتریان شکل می‌گیرد (Peimani & Kamalipour, 2025). مطالعات جدید همچنین بر تنوع الگوهای استقرار، تحرک و راهبردهای فضایی دست‌فروشان تأکید دارند (Ngo Kien Thinh et al., 2025).

بنابراین، اثر دست‌فروشی بر فضای عمومی را نمی‌توان ذاتاً مثبت یا منفی دانست؛ بلکه این اثر به نوع فعالیت، تراکم، الگوی استقرار و ظرفیت فضایی محیط وابسته است.

۴.۳. دست‌فروشی و منظر شهری در بافت‌های تاریخی

بافت‌های تاریخی علاوه بر ویژگی‌های کالبدی و معماری، دارای ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و هویتی هستند و فضاهای عمومی آن‌ها بخشی از ساختار تاریخی شهر را تشکیل می‌دهند. در شهرهای تاریخی ایران، بازارها، گذرها، سراها و تیمچه‌ها از گذشته محل تلاقی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی بوده‌اند؛ بنابراین، حضور فعالیت اقتصادی در این فضاها ذاتاً با ماهیت تاریخی آن‌ها ناسازگار نیست.

مسئله زمانی ایجاد می‌شود که مقیاس یا نحوهٔ استقرار فعالیت با ظرفیت کالبدی و ارزش‌های محیط تاریخی هماهنگ نباشد. در چنین شرایطی، تجمع دست‌فروشان می‌تواند بر حرکت و دسترسی پیاده، خوانایی مسیرها، دید به جداره‌ها و بناهای تاریخی، کیفیت بصری و ادراک محیط اثر بگذارد. در مقابل، حضور کنترل‌شده و متناسب فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند به حفظ حیات روزمره، تنوع فعالیت و سرزندگی فضای تاریخی کمک کند.

از این‌رو، مدیریت دست‌فروشی در بافت تاریخی را نمی‌توان فقط بر مبنای حذف فعالیت تعریف کرد. مسئلهٔ اصلی ایجاد تعادل میان نیازهای معیشتی و اشتغال، حق استفاده از فضای عمومی، تداوم حیات اقتصادی و اجتماعی و حفاظت از ارزش‌های تاریخی و منظرین بافت است. چنین نگاهی با رویکردهای جدید به دست‌فروشی نیز همخوان است که آن را بخشی از حیات فضای عمومی و فرایند تعامل و مذاکرهٔ گروه‌های مختلف بر سر استفاده از فضا می‌دانند (Tallavajjula, 2023; Peimani &Kamalipour, 2025).

برآیند مباحث نظری نشان می‌دهد منظر شهری را نمی‌توان فقط به ویژگی‌های کالبدی و بصری محیط محدود کرد؛ بلکه این مفهوم حاصل برهم‌کنش میان ساختار فضایی، فعالیت‌های جاری، نحوهٔ استفاده از فضا و معانی و ادراکات شکل‌گرفته در محیط است. از این منظر، دست‌فروشی نیز فقط یک فعالیت اقتصادی غیررسمی نیست، بلکه به واسطهٔ استقرار و تحرک آن در فضای عمومی، می‌تواند در سازمان فضایی، نحوهٔ استفاده از فضا، الگوی حرکت و توقف، تعاملات اجتماعی، تنوع فعالیتی، ادراک محیط، هویت و کیفیت منظر شهری مداخله کند. همچنین، در بافت‌های تاریخی، این آثار در ارتباط با ساختار، ارزش‌ها، عناصر شاخص و ویژگی‌های هویتی و میراثی محیط اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

رویکردهای مواجهه با دست‌فروشی و پیامد آن بر منظر شهری

در مطالعات مربوط به دست‌فروشی، چهار رویکرد اصلی شامل ضد دست‌فروشی، روادارانه، سازگار با دست‌فروشی و همه‌شمول مطرح شده است. تفاوت این رویکردها تنها در نحوهٔ برخورد با دست‌فروشان نیست، بلکه به چگونگی حضور و استقرار آن‌ها در فضای عمومی نیز مربوط می‌شود. از این نظر، هر رویکرد می‌تواند شکل متفاوتی از استفاده، سازمان‌یابی و کیفیت فضای شهری را به دنبال داشته باشد.

در رویکرد ضد دست‌فروشی، فعالیت دست‌فروشان از طریق اقداماتی مانند اخراج، ضبط اموال و جابه‌جایی محدود می‌شود. در این

رویکـرد، حضـور دست‌فروشـان معمـولاً بـه عنـوان عاملـی بـرای ایجـاد بی‌نظمـی، اختـلال در اسـتفاده از فضا و آشـفتگی بصری تلقی می‌شـود. بـا وجـود ایـن، چنیـن اقداماتی اغلـب موقتی هسـتند و الزامـاً به کاهش پایـدار دست‌فروشـی منجـر نمی‌شـوند (Hanser, 2016). بنابرایـن، در ارتبـاط بـا منظـر شـهری، تأکیـد اصلـی ایـن رویکـرد بـر حـذف حضور فیزیکی دست‌فروشان از فضای عمومی است.

در رویکرد روادارانه، دست‌فروشـی به طور رسـمی به رسـمیت شـناخته نمی‌شـود، امـا فعالیـت آن در شـهر تحمـل می‌شـود. در ایـن شـرایط، دست‌فروشـان در فضاهـای عمومـی حضـور دارنـد، امـا معمـولاً ضوابـط مشـخصی بـرای مـکان، نحوۀ اسـتقرار و میزان حضور آن‌هـا وجود ندارد. بـه همین‌دلیـل، چگونگـی حضـور دست‌فروشـان می‌توانـد بسـته بـه مـکان و میـزان تراکـم، پیامدهای متفاوتـی برای فضـای عمومی و منظر شـهری داشـته باشـد. در صـورت تمرکـز فعالیـت، اشـغال مسـیرهای حرکتـی و افزایـش تراکـم فعالیت‌ها، احتمـال بروز اختـلال در حرکت و آشفتگی بصری بیشتر می‌شود (Recio et al., 2017).

رویکـرد همه‌شـمول گامـی فراتـر از تنظیم فعالیت دست‌فروشـان اسـت و بـر مشـارکت آن‌هـا در فراینـد تصمیم‌گیـری و سـاماندهی تأکید دارد. در ایـن رویکـرد، شـهرداری، دست‌فروشـان و سـایر گروه‌هـای مرتبـط، ماننـد کسـبه و سـاکنان، در مدیریـت ایـن فعالیـت نقـش دارنـد. بـرای نمونـه، در قانـون جدیـد لیمـا، پایتخـت پـرو، کمیسـیونی بـا حضـور نماینـدگان شـهرداری، اتحادیه‌هـای دست‌فروشـان و همسـایگان پیش‌بینی شده است (Roever, 2016).

ایـن چهـار رویکـرد اصلـی در مواجهـه بـا دست‌فروشـی پیامدهـای متفاوتـی بـرای منظـر شـهری ایجـاد می‌کننـد. در رویکـرد ضـد دست‌فروشـی تأکیـد بـر حذف حضـور فیزیکـی دست‌فروشـان از طریق اخـراج، ضبـط امـوال و جابه‌جایـی اسـت. ایـن اقدامـات در کوتاه‌مـدت آشـفتگی بصـری را کاهـش می‌دهنـد و مسـیرهای حرکتـی را آزاد می‌کننـد، امـا چـون معمـولاً موقتـی هسـتند، دست‌فروشـی بـه نقـاط دیگـر منتقـل می‌شـود و بی‌نظمـی فضایـی بـه صـورت پایـدار برطـرف نمی‌شود.

در رویکـرد روادارانـه دست‌فروشـی بـه رسـمیت شـناخته نمی‌شـود، اما تحمـل می‌شـود. نبـود ضوابـط مشـخص بـرای مـکان و نحـوۀ اسـتقرار باعـث می‌شـود، پیامدهـا به میـزان تراکم و ویژگی مکان وابسـته باشـد. تمرکـز بـالای فعالیـت، مسـیرهای حرکتـی را اشـغال می‌کنـد؛ تراکم را افزایـش می‌دهـد و آشـفتگی بصـری پدیـد مـی‌آورد. در تراکـم پاییـن همیـن حضـور می‌توانـد بـه تنوع و سـرزندگی فضـا کمک کنـد. کنترل این رویکرد بر کیفیت منظر محدود است.

رویکـرد سـازگار بـا دست‌فروشـی، فعالیـت را از طریـق صـدور مجـوز، تعییـن مکان‌هـای مجـاز و تدویـن ضوابـط اسـتقرار قابـل مدیریـت می‌دانـد. اجـرای مناسـب ایـن رویکـرد تداخـل بـا حرکـت عابـران را کاهـش می‌دهـد، اشـغال فضـا را کنتـرل می‌کنـد و نظـم حرکتـی و کیفیـت بصـری محیـط را تـا یک میـزان بهبـود می‌بخشـد. موفقیت آن بـه دقـت مکان‌یابـی و تناسـب ضوابـط بـا ویژگی‌هـای هـر فضا بسـتگی دارد.

رویکـرد همه‌شـمول بـر مشـارکت دست‌فروشـان، شـهرداری و سـایر ذی‌نفعـان در تصمیم‌گیـری و مدیریـت تأکیـد دارد. هـدف در اینجا تنها کنتـرل نیسـت؛ بلکـه ایجاد تعـادل میـان حضـور اقتصـادی ـ اجتماعی دست‌فروشـان بـا حفـظ نظـم، دسترسـی و کیفیـت کالبـدی و ادراکـی فضـای عمومـی اسـت. افزایـش پذیـرش اجتماعـی و امـکان طراحـی اسـتقرارهای متناسـب بـا هویـت مـکان، ظرفیـت ایـن رویکـرد را بـرای ارتقـای پایـدار کیفیـت منظر شـهری بالاتر می‌بـرد. در نتیجـه، هرچه از رویکـرد حذف‌محـور بـه سـمت رویکردهـای مشـارکتی و تنظیم‌گـر حرکت شـود، امـکان مدیریـت آگاهانه‌تـر پیامدهای کالبـدی، کارکردی و ادراکـی دست‌فروشـی بـر منظـر شـهری افزایـش می‌یابـد. در ادامـه، پیامـد رویکردهـای دست‌فروشـی بـر منظـر شـهری ارائـه می‌شـود (جدول ۲).

جدول ۲. پیامد رویکردهای دست‌فروشی بر منظر شهری در بافت تاریخی

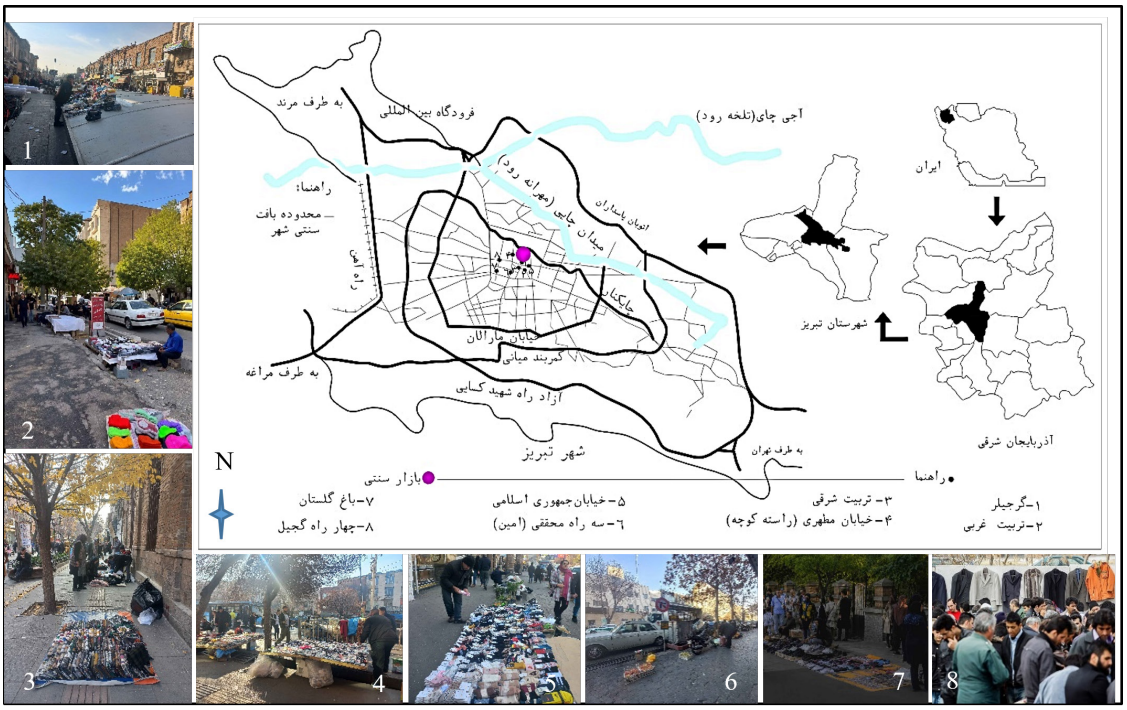
مؤلفۀ اصلی	مبنای نظری / محتوای اصلی	پیامد رویکرد ضد دست‌فروشی	پیامد رویکرد روادارانه	پیامد رویکرد سازگار با دست‌فروشی	پیامد رویکرد همه‌شمول	ارتباط با موضوع پژوهش
کالبدی	نحوۀ تمرکز، پراکندگی و مکان‌یابی فعالیت در ساختار فضایی شهر رابطۀ فعالیت با ساختار، عناصر و ارزش‌های بافت تاریخی نحوۀ استقرار، چیدمان و سازمان فضایی فعالیت	حذف موقت حضور فیزیکی؛ انتقال مشکل به نقاط دیگر؛ کاهش موقت آشفتگی بصری	حضور بدون ضابطه؛ احتمال اشغال مسیرها و آشفتگی بصری در نقاط پرتراکم	کنترل مکان و نحوۀ استقرار؛ کاهش تداخل حرکتی و بهبود نسبی نظم بصری	استقرار مشارکتی و متناسب با هویت مکان؛ حفظ تعادل میان حضور و کیفیت کالبدی	Lynch, 1960; Cullen, 1961; Pakzad, 2003; Golkar, 2006; Peimani & Kamalipour, 2025; Behzadfar, 2008; Mansouri, 2009; Kiani & Sardari, 2011; Faizi & Asadpouri, 2013; UNESCO, 2011
کارکردی	معیشت، اشتغال و ارتباط با اقتصاد محلی تعامل اجتماعی و شکل‌گیری زندگی روزمره تنوع فعالیت‌ها (خرید، توقف، تماشا) عرضۀ کالا و خدمات و ارتباط با کیفیت استفاده از فضا	تضعیف نقش معیشتی و اجتماعی؛ حذف موقت تنوع فعالیت‌ها	حفظ نقش معیشتی و اجتماعی بدون کنترل؛ احتمال اختلال در دسترسی و حرکت	تنظیم فعالیت‌ها با حفظ نقش اقتصادی و اجتماعی؛ کاهش تعارضات کارکردی	تقویت نقش اقتصادی ـ اجتماعی همراه با مدیریت تعارض‌ها و دسترسی عادلانه	Hart, 1973; ILO, 2002; Bromley, 2000; Saha, 2011; Peimani & Kamalipour, 2025; Tallavajjula, 2023; Jacobs, 1961; Gehl, 1987; Pakzad, 2003; Mansouri, 2009; Jacob, 2023; Zhang & Shao, 2024; Lynch, 1960; Cullen, 1961

مؤلفهٔ اصلی	مبنای نظری / محتوای اصلی	پیامد رویکرد ضد دست‌فروشی	پیامد رویکرد روادارانه	پیامد رویکرد سازگار با دست‌فروشی	پیامد رویکرد همه‌شمول	ارتباط با موضوع پژوهش
معنایی - ادراکی	تنوع حضور، توقف، حرکت و تعاملات کاربران ارتباط محیط با خاطره، هویت و ویژگی‌های مکان انعکاس تنوع فرهنگی حضورپذیری، نظارت طبیعی و احساس امنیت دیدپذیری و معنای عناصر شاخص و میراثی	کاهش سرزندگی اجتماعی؛ بهبود موقت ادراک نظم، اما بدون پایداری	افزایش تنوع تعاملات در کنار احتمال کاهش خوانایی و احساس امنیت در تراکم بالا	بهبود نسبی خوانایی و نظم ادراکی از طریق ضوابط استقرار	ارتقای هویت مکان، خوانایی و احساس تعلق از طریق مشارکت و هم‌نشینی آگاهانه با عناصر تاریخی	Jacobs, 1961; Gehl, 1987; Lynch, 1960; Golkar, 2006; Jacob, 2023; Norberg-Schulz, 1980; Pakzad, 2003; Mansouri, 2009; Kiani & Sardari, 2011; UNESCO, 2011; Faizi & Asadpouri, 2013; Peimani & Kamalipour, 2025; Cullen, 1961; Rezazadeh, 2007

۴. روش‌شناسی

۱.۴. معرفی محدودهٔ مورد مطالعه

شهر تبریز یکی از پنج کلان‌شهر کشور است. به دلیل کمبود بازارهای روز و پراکندگی نامناسب آن‌ها در مناطق مختلف، در برخی از مناطق شهر، به علت استقبال مردم، دست‌فروشان با عرضهٔ کالاهای مورد نیاز، در پیاده‌روها و حاشیهٔ خیابان، بساط خود را پهن می‌کنند. در بافت سنتی و تاریخی نیز می‌توان شاهد خیل عظیمی از دست‌فروشان بود. محدودهٔ بازار تبریز در منطقهٔ ۸ تبریز از بخش‌هایی است که بار دست‌فروشی بالایی دارد و مراکز عمدهٔ دست‌فروشی آن عبارت‌اند از: خیابان جمهوری اسلامی، گرجیلر، تربیت غربی، تربیت شرقی، سه‌راه امین، محدودهٔ باغ گلستان (فجر)، گجیل و خیابان مطهری (محدودهٔ راسته کوچه) (شکل ۲).



شکل ۲. مناطق با تمرکز بالای دست‌فروشان در تبریز

۲.۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی ـ توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش، یک پژوهش کیفی متکی بر تحلیل مضمون استقرایی (Inductive Thematic Analysis) است. به منظور دستیابی به درک عمیق از پویایی‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی دست‌فروشی در منطقهٔ ۸ تبریز، از اصل محوری شفافیت در تحلیل‌ها و اجتناب از تداخل رویکردهای کیفی استفاده شد. تمرکز اصلی این پژوهش بر تحلیل مضمون بوده و سعی شده است سایر رویکردها مانند تحلیل پدیدارشناسانه یا نظریهٔ زمینه‌ای با تحلیل در نظر گرفته شده ترکیب نشود. داده‌های میدانی برپایه مثلث‌سازی داده‌ها (Data Triangulation) گردآوری شده که شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهدات میدانی سیستماتیک، ثبت مستندات تصویری و بررسی اسناد رسمی انجام و مشاهدات میدانی پژوهش است. مدت زمان گردآوری داده‌ها در یک دورهٔ سه‌ماهه (از میانه فصل پاییز تا میانهٔ زمستان) انجام یافته که ۱۵ نوبت مراجعه در ساعت‌های مختلف روز، شامل صبح، ظهر و عصر به محدودهٔ مورد مطالعه را شامل می‌شود. شایان یادآوری است که در هر نوبت هشت خیابان منتخب با حضور بیشترین فعالیت دست‌فروشی مورد بررسی

قـرار گرفتـه اسـت. جامعـۀ هـدف بـرای انجـام مصاحبه‌ها نیـز مدیران و مسـئولان شـهری مرتبط با موضوع دست‌فروشـی و سـاماندهی فضاهای عمومـی و همچنیـن دست‌فروشـان منطقـۀ ۸ کلان‌شـهر تبریـز بـوده اسـت. بـا توجـه بـه تمرکـز پژوهـش بـر مدیریـت و سـاماندهی دست‌فروشـان در مقیـاس شـهری، سـازمان مشـاغل و فرآورده‌هـای کشـاورزی شـهرداری تبریـز ـ از بیـن سـازمان‌های مرتبط بـا موضوع[۲] ـ بـه عنـوان متولـی مسـتقیم ایـن حـوزه، بـرای انجـام مصاحبه‌هـای نیمه‌سـاختاریافته در نظـر گرفته شـد کـه این خود به عنـوان محدودیت تحقیـق مطـرح اسـت، از طرفـی دیگـر نگرانـی دست‌فروشـان از ارتباط احتمالـی پژوهشـگران بـا شـهرداری و جنسـیت پژوهشـگران نیـز، بـر میـزان اعتمـاد و نحـوۀ تعامـل در برخـی مصاحبه‌هـای میدانـی اثرگذار بـود. امـا پـس از پیگیری‌هـای به‌عمل‌آمـده، چهـار نفـر از خبـرگان باسـابقۀ ایـن سـازمان بـه صـورت هدفمنـد کـه مدیریـت مرتبـط بـا دست‌فروشـان را داشـته‌اند بـرای انجـام مصاحبـۀ نیمه‌سـاختاریافته انتخاب شـدند؛ شـامل: معاون ساماندهی مشـاغل (E1)، معاونت خدمات شـهرداری منطقـۀ ۸ (E2)، کارشـناس امـور هماهنگی مناطـق و محیط زیسـت (E3) و مسـئول ادارۀ برنامه‌ریزی و توسـعۀ سـرمایه انسانی (E4). همچنیـن، از بین دست‌فروشـان سـیار مسـتقر در منطقـۀ ۸ تبریز حجم نمونـه حـدود ۳۰ نفـر بـه شـیوۀ نمونه‌گیـری در دسـترس انجـام یافـت (جـدول ۳). مصاحبه‌هـا نیـز تا زمانی ادامـه پیدا کرد که پاسـخ جدیدی وجـود نداشـته یـا تکـراری بـوده و پاسـخ‌ها بـه اشـباع نظـری رسـید. همان‌طـور که لـک (Lak, 2014:47) نیز اشـاره کرده اسـت؛ نمونه‌گیری در جریـان پژوهش‌هـای کیفـی تـا زمانـی ادامـه می‌یابـد کـه داده‌هـا و مقـولات بـه اشـباع برسـند کـه معمولاً حجـم نمونـه ۴ تا ۴۰ نفر اسـت. بـه منظـور تأمیـن روایـی ابـزار گـردآوری داده‌هـا راهنمـای مصاحبـه نیمه‌سـاختاریافته تدویـن شـد کـه مبتنـی بـر مطالعـۀ مبانـی نظـری، پیشـینۀ پژوهـش و اسـناد مرتبـط با اقتصاد غیررسـمی و دست‌فروشـی بـوده اسـت. بـرای افزایـش اعتبـار مصاحبـه، سـؤالات و محورهـای آن تدویـن شـده و در اختیـار متخصصان حـوزۀ برنامه‌ریزی شـهری، اقتصاد شـهری و اعضـای هیئت علمی دانشـگاه قـرار گرفته و نظرات ایشـان در خصـوص شـفافیت، تناسـب، جامعیـت و ارتبـاط سـؤالات بـا اهـداف پژوهـش اخـذ و اصلاحـات لازم اعمال شـد. سـاختار نهایـی مصاحبه نیز پـس از انجـام یـک مصاحبـۀ پایلـوت بـا دو نفـر از مشـارکت‌کنندگان و ارزیابی نتایج تدوین شد.

تحلیـل داده‌هـای پژوهـش نیـز بـا روش تحلیل مضمـون اسـتقرایی و بر اسـاس الگـوی شـش‌مرحله‌ای بـراون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) انجـام شـد. فراینـد تحلیـل شـامل آشـنایی عمیـق بـا داده‌هـا، تولیـد کدهـای اولیه، جسـت‌وجوی مضامیـن، بازنگری مضامیـن، تعریف و نام‌گـذاری مضامیـن و در نهایـت، تهیـۀ گـزارش بود. مضامیـن از متن مصاحبه‌هـا و مشـاهدات میدانـی اسـتخراج شـدند و قالـب نظـری ازپیش‌تعیین‌شـده‌ای بـر داده‌هـا تحمیـل نشـد. پـس از اتمـام فراینـد اسـتخراج و تثبیـت مضامیـن، بـرای سـازمان‌دهی یافته‌هـا و ارائـۀ منسـجم‌تر آن‌هـا، از دسـتگاه مفهومـی سـه‌گانه کارکـردی ـ کالبـدی ـ معنایـی بـه عنـوان چارچـوب سـازمان‌دهندۀ نهایـی اسـتفاده شـد. مضامینـی کـه خارج از این دسـتگاه قـرار گرفتند (مضامیـن نوظهور) به صـورت مسـتقل گـزارش شـدند تـا ماهیـت اسـتقرایی پژوهـش حفـظ شـود. شـایان یـادآوری اسـت کـه چارچـوب سـه‌بعدی یادشـده پـس از مرحلـۀ تعریـف و نام‌گـذاری مضامیـن و در مرحلـۀ سـازمان‌دهی نهایـی یافته‌هـا بـه کار گرفتـه شـد و نقـش هدایت‌کننـده در فراینـد کدگذاری و اسـتخراج مضامین نداشـت. تفکیک زمانی انجام‌شـده بـرای جلوگیری از شـائبۀ رویکـرد قیاسـی در تحلیـل مضمـون بـوده اسـت. مضامینـی همچـون پویایی‌هـای قـدرت و حکمرانـی غیررسـمی، تـاب‌آوری و زیسـت‌پذیری معیشـتی خـرد و سـیالیت فضایـی ـ زمان‌منـدی به علت ماهیـت پیچیـدۀ خـود، قابلیـت تقلیـل بـه ابعـاد سـه‌گانۀ کلاسـیک را نداشـته و مسـتقیم از واقعیت زیسـتۀ منطقۀ ۸ تبریز اسـتخراج شـدند.

بـرای تضمیـن اعتبار (Trustworthiness) روش‌شـناختی پژوهش، سـه ضابطۀ کلیدی زیر در تحلیل داده‌ها لحاظ شد:

۱- تطبیـق موضـع شـاخص‌ها بـا محتـوای سـاختاری: کدهـای اسـتخراج‌شـده بـر اسـاس ماهیـت عملکـردی خـود قـرار گرفتنـد. بـرای نمونـه، شـاخص‌هایی همچـون «تنوع رفتـاری و الگوی اسـتفاده از فضا» که محتوای کارکردی دارند، در مؤلفۀ کارکردی سازمان‌دهی شدند.

۲- حفـظ یکپارچگـی مشـاهدات و پرهیـز از دوباره‌شـماری شـواهد (Single-Observation Integrity): از بازتوزیـع یـک مشـاهدۀ واحـد ذیـل چنـد برچسـب متکثـر و همپوشـان پرهیز شـد. گزاره‌ها و شـواهد میدانـی مرتبـط بـا محدودیـت دیدپذیری جداره‌هـای تاریخـی در قالب یـک کـد یکپارچـه جمع‌آوری شـدند و یـک مشـاهدۀ واحـد بـه عنوان چند شاهد مستقل تکراری محاسبه نشد.

۳- تعدیـل ادعـای علّـی: بـا توجـه بـه ماهیـت توصیفـی ـ تحلیلـی پژوهش‌هـای کیفـی، یافته‌هـا بیانگـر الگوهـای فضایـی و رفتـاری مشاهده‌شـده هسـتند و نبایـد بـه عنـوان اثبـات رابطـۀ علّـی مسـتقیم میان دست‌فروشی و کیفیت منظر تلقی شوند.

جدول ۳. مشخصات و ابعاد متنوع شرکت‌کنندگان (دست‌فروشان)

ردیف	مدت فعالیت (سال)	مکان فعالیت	نوع کالا	سن	تحصیلات
P1	>۲۰	گرجیلر	پوشاک	>۶۰	سیکل
P2	>۱۵	گرجیلر	پوشاک	>۵۰	متوسطه
P3	>۱۰	گرجیلر	ظروف	>۵۰	سیکل
P4	>۱۰	گرجیلر	اسباببازی	>۴۰	متوسطه
P5	>۱۰	گرجیلر	خشکبار	>۵۰	سیکل
P6	>۱۰	تربیت غربی	پوشاک	>۵۰	سیکل
P7	>۵	تربیت غربی	پوشاک	>۴۰	دیپلم

ردیف	مدت فعالیت (سال)	مکان فعالیت	نوع کالا	سن	تحصیلات
P8	>۵	تربیت غربی	صیفی‌جات	>۴۰	دیپلم
P9	>۵	تربیت غربی	پلاسکو	>۴۰	لیسانس
P10	>۱۵	تربیت شرقی	پوشاک	>۵۰	سیکل
P11	>۵	تربیت شرقی	پوشاک	>۴۰	دیپلم
P12	>۱۰	تربیت شرقی	بلوریجات	>۵۰	متوسطه
P13	>۵	تربیت شرقی	ظروف	>۵۰	دیپلم
P14	>۵	تربیت شرقی	اسباب‌بازی	>۴۰	متوسطه
P15	>۲۰	خ- مطهری	پوشاک	>۵۰	متوسطه
P16	>۱۵	خ- مطهری	پوشاک	>۶۰	سیکل
P17	>۱۵	خ- مطهری	خوراک	>۵۰	سیکل
P18	>۱۵	خ- مطهری	سبزیجات	>۶۰	سیکل
P19	>۱۰	خ- مطهری	کیف-کفش	>۵۰	سیکل
P20	>۱۰	خ- مطهری	صیفی‌جات	>۴۰	دیپلم
P21	>۱۰	خ- مطهری	پلاسکو	>۵۰	دیپلم
P22	>۱۵	خ- مطهری	دخانیات	>۶۰	سیکل
P23	>۱۰	خ-جمهوری اسلامی	پوشاک	>۴۰	لیسانس
P24	>۱۰	-	بلوریجات	>۵۰	متوسطه
P25	>۱۰	-	خشکبار	>۵۰	سیکل
P26	>۵	-	بدلیجات	>۴۰	متوسطه
P27	>۵	سه‌راه امین	صیفی‌جات	>۴۰	دیپلم
P28	>۵	سه‌راه امین	سبزیجات	>۵۰	دیپلم
P29	>۱۰	باغ گلستان	بدلیجات	>۴۰	دیپلم
P30	>۲۰	گجیل	پوشاک	>۵۰	سیکل

۵. یافته‌ها

۱.۵. یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون

یافته‌های پژوهش از تحلیل مضمون استقرایی داده‌های مصاحبه با دست‌فروشان و مدیران شهری و مشاهدات میدانی به دست آمد. مضامین اصلی و فرعی از متن داده‌ها استخراج و پس از مشخص شدن مضامین، برای سازمان‌دهی یافته‌ها از دستگاه مفهومی کارکردی، کالبدی ـ فضایی، معنایی ـ ادراکی و نوظهور استفاده شد. جدول ۴، نتایج نهایی تحلیل مضمون استقرایی را نشان می‌دهد. در این جدول مسیر تحلیلی از گزاره‌های خام به کدهای اولیه، مضامین فرعی و مضامین اصلی قابل مشاهده است.

جدول ۴. فرایند تحلیل مضمون و استخراج مقوله‌ها و مضامین نهایی از داده‌های مصاحبه

مؤلفهٔ سازمان‌دهنده*	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی	گزارهٔ خام / نقل قول مصاحبه	منبع (مشارکت‌کننده)	فراوانی شواهد**
مؤلفهٔ کارکردی	نبود شغل ثابت، ضرورت تأمین معاش	اضطرار معیشتی و ضرورت تأمین معاش		«به دلیل نداشتن شغل ثابت و ضرورت تأمین هزینهٔ زندگی به این کار روی آورده‌ام»	P10 و سایر دست‌فروشان	۲۷ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	سرمایه اولیه پایین، عدم نیاز به مغازه	سهولت ورود به فعالیت	پویایی‌های معیشتی و انگیزه‌های شغلی	«دست‌فروشی به سرمایه اولیه و مغازه نیاز ندارد»	P10	۲۲ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	نبود کارفرما، تعیین ساعت‌های کاری توسط خود فرد	استقلال و انعطاف شغلی		«کارفرما ندارم و ساعت‌های کاری دست خودم است»	P10	۱۵ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	تردد بالای عابر، مجاورت با مراکز تجاری	جاذبه‌های عملکردی مکان	جاذبه‌ها و محدودیت‌های مکان‌گزینی	«خیابان تربیت و اطراف بازار به دلیل شلوغی، بهترین جا برای فروش است»	P11, P20	۲۵ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	تردد پایین، فاصله از کانون‌های تجاری	ناکارآمدی مکان‌های جایگزین		«سه‌راه محققی به دلیل دور بودن از مرکز خرید، پاخوری کمی دارد»	P1, P23	۲۰ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	خرید، توقف، مشاهده، تعامل فروشنده-مشتری	تنوع و هم‌زمانی فعالیت‌های روزمره	تنوع فعالیتی و استفاده از فضای عمومی	«حضور دست‌فروشان با خرید، توقف، مشاهده کالا و تعامل فروشنده و مشتری همراه است»	P11, P23	۱۹ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	عرضهٔ مواد غذایی و خوراکی	ملاحظات خدماتی ـ بهداشتی		مشاهدهٔ میدانی	مشاهدهٔ میدانی؛ E1–E4	مشاهده + ۲ نفر از ۴ مدیر
	اشغال فضای پیاده، کاهش فضای عبور	اشغال مسیر و محدودیت حرکت	اختلال در نظام حرکت و دسترسی	«استقرار دست‌فروشان در معابر پرتردد موجب اشغال بخشی از فضای حرکت پیاده می‌شود»	E1	مشاهده میدانی؛ ۴ نفر از ۴ مدیر
مولفه کالبدی و فضایی	تجمیع در محورهای پرتردد و مجاور مراکز تجاری	تمرکز فضایی در کانون‌های تجاری	سازمان فضایی و الگوی استقرار	«دست‌فروشان عمدتاً در محورهای پرتردد و مجاور مراکز تجاری مستقر می‌شوند»	P11, P20, E3	۲۰ نفر از ۳۰ دست‌فروش؛ ۴ نفر از ۴ مدیر
	استقرار در امتداد مسیر و مجاورت لبه‌های فعال	الگوی خطی و لبه‌ای استقرار		مشاهدهٔ میدانی	مشاهدهٔ میدانی	مشاهدهٔ میدانی
	تفاوت ابعاد بساط و چیدمان کالا	تنوع مقیاس و میزان اشغال فضا		مشاهدهٔ میدانی	مشاهدهٔ میدانی	مشاهدهٔ میدانی
	مجاورت بساط‌ها با جداره‌ها و عناصر تاریخی	هم‌نشینی فعالیت موقت و بافت تاریخی	تأثیر بر منظر و بافت تاریخی	«بساط‌ها در برخی نقاط در مجاورت جداره‌ها و عناصر تاریخی قرار می‌گیرند»	E2	۳ نفر از ۴ مدیر؛ مشاهده میدانی
	محدودیت دیدپذیری جداره‌های تاریخی	اختلال بصری و محدودیت دید		«حضور متراکم دست‌فروشان موجب محدودیت دیدپذیری و اختلال در مشاهدهٔ جداره‌های تاریخی می‌شود»	E1	۴ نفر از ۴ مدیر؛ مشاهده میدانی
مؤلفهٔ معنایی ـ ادراکی	مشتری تکرارشونده	روابط پایدار فروشنده ـ مشتری	تعلق خاطر و پیوندهای اجتماعی	«برخی دست‌فروشان مشتری ثابت دارند و مشتریان برای خرید مجدد مراجعه می‌کنند»	P10, P23	۲۳ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	حضور گروه‌های مختلف فروشنده و مشتری	تنوع کنشگران و تعاملات اجتماعی		«حضور گروه‌های مختلف فروشندگان و مشتریان تنوعی از تعاملات اجتماعی ایجاد می‌کند»	P13, P27	۲۰ نفر از ۳۰ دست‌فروش

مؤلفهٔ سازمان‌دهنده*	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی	گزارهٔ خام / نقل قول مصاحبه	منبع (مشارکت‌کننده)	فراوانی شواهد**
مؤلفهٔ معنایی ـ ادراکی	توقف، تجمع، محدود شدن فضای عبور	ازدحام و کاهش کیفیت تجربهٔ فضایی	ادراک کیفیت و امنیت محیطی	«تراکم دست‌فروشان موجب توقف، تجمع و محدود شدن فضای عبور می‌شود»	E1	۳ نفر از ۴ مدیر
	رفتارهای ناهنجار در شرایط ازدحام	اختلال در نظم فضایی		«در برخی اظهارات، رفتارهای ناهنجار در شرایط ازدحام مورد اشاره قرار گرفته است»	E2	۲ نفر از ۴ مدیر
مؤلفه‌های نوظهور	جانمایی‌های مشخص، تقسیم مکان ناخواسته	قلمروخواهی و حق تقدم فضایی غیررسمی	پویایی‌های قدرت و حکمرانی غیررسمی	«دست‌فروشان باسابقه جانمایی‌های مشخصی را حق تقدم خود دانسته و تقسیم مکان ناخواسته‌ای بین خود ایجاد کرده‌اند»	P5, P13, P30	۲۱ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	عدم پذیرش مکان جایگزین	عدم استقبال از فضاهای جایگزین	چالش‌های نهادی و عدم پذیرش ساماندهی	«ایجاد فضاهای جایگزین با هدف ساماندهی، با عدم پذیرش و استقبال مواجه شده است»	E3, P3	۳ نفر از ۴ مدیر؛ ۲۰ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	توافق‌های غیررسمی میان دست‌فروشان، کاسبان و مأموران	توافق‌های غیررسمی میان کنشگران	سازوکارهای چانه‌زنی روزمره	—	دست‌فروشان	۱۴ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	شبکهٔ نجات اقتصادی در شرایط تورمی	دست‌فروشی به‌عنوان سازوکار تاب‌آوری	تاب‌آوری و زیست‌پذیری معیشتی خرد	«دست‌فروشی به عنوان یک سازوکار تاب‌آوری خانوار در مواجهه با ناپایداری‌های اقتصادی عمل می‌کند»	P10, P22	۲۶ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	حمایت هنگام جمع‌آوری بساط‌ها	شبکه‌های اطلاع‌رسانی و حمایت متقابل	همبستگی و شبکه‌های حمایت متقابل	—	دست‌فروشان	۱۸ نفر از ۳۰ دست‌فروش
	تغییر الگوی حضور در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز	ریتم‌های زمانی و تصرف موقت فضا	زمان‌مندی و سیالیت فضایی ـ نهادی	مشاهدهٔ میدانی؛ تغییر چهرهٔ پیاده‌راه در ساعت‌های پایانی روز	مشاهدهٔ میدانی + دست‌فروشان	مشاهدهٔ میدانی؛ ۱۷ نفر از ۳۰ دست‌فروش

*ستون «مؤلفهٔ سازمان‌دهنده» در این جدول برای نمایش مؤلفه‌های سازمان‌دهندهٔ نهایی (کارکردی، کالبدی و فضایی، معنایی ـ ادراکی و نوظهور) به کار رفته است. این مؤلفه‌ها پس از استخراج استقرایی مضامین و در مرحلهٔ سازمان‌دهی یافته‌ها اضافه شده‌اند و بر داده‌ها تحمیل نشده‌اند.

**فراوانی شواهد به عنوان شاخص شیوع مضمون در میان مشارکت‌کنندگان گزارش شده است. اهمیت مضامین بر اساس معنای مرکزی و ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تعیین شده و نه بر اساس تعداد تکرار (Braun & Clarke, 2006). مؤلفه‌های سازمان‌دهنده پس از استخراج استقرایی مضامین و برای نظم‌دهی نهایی یافته‌ها به کار رفته‌اند.

مؤلفه‌های کارکردی

پویایی‌های معیشتی و انگیزه‌های شغلی: یافته‌های حاصل از مصاحبه با دست‌فروشان نشان داد عوامل معیشتی و اقتصادی از مهم‌ترین زمینه‌های روی آوردن به این فعالیت هستند. یکی از دست‌فروشان، نبود شغل و ضرورت تأمین هزینه‌های زندگی خانواده را از دلایل اصلی ورود به دست‌فروشی عنوان کرد. به گفتهٔ وی، پایین بودن سرمایه اولیه مورد نیاز، امکان فعالیت مستقل، نبود وابستگی به کارفرمای مشخص، بی‌نیازی از اجارهٔ مکان ثابت و امکان تعیین ساعت‌های فعالیت توسط فرد، از جمله ویژگی‌هایی است که دست‌فروشی را به گزینه‌ای قابل دسترس برای کسب درآمد تبدیل کرده است (P10). این اظهارات نشان می‌دهد انگیزهٔ اقتصادی دست‌فروشی فقط به کسب درآمد محدود نمی‌شود، بلکه ویژگی‌هایی مانند پایین بودن هزینهٔ ورود، استقلال شغلی و انعطاف‌پذیری زمانی نیز در انتخاب این فعالیت نقش دارند. این مضمون در سایر مصاحبه‌های انجام‌شده با دست‌فروشان نیز مشاهده شد و نشان می‌دهد معیشت و ویژگی‌های ساختاری این نوع فعالیت، در تداوم حضور آنان در فضای عمومی نقش دارد (P21, P26).

جاذبه‌ها و محدودیت‌های مکان‌گزینی: انتخاب مکان فعالیت نیز با منطق اقتصادی دست‌فروشان ارتباط دارد. در مصاحبه‌ها، میزان تردد و حضور مشتریان به عنوان یکی از عوامل مهم انتخاب محل فعالیت مطرح شد. یکی از دست‌فروشان، انتخاب محدودهٔ بازار را به مرکزیت شهر، تراکم فعالیت‌های تجاری و حجم بالای رفت‌وآمد مرتبط دانست (P10). به گفتهٔ وی، وجود مغازه‌ها و مراکز تجاری در محدودهٔ بازار و پیاده‌راه تربیت موجب افزایش «پاخوری» و در نتیجه، رونق کسب‌وکار دست‌فروشان می‌شود. این نظر و دیدگاه با اظهارات مدیران شهری نیز قرابت دارد. یکی از مسئولان شهری (E1) بیان کرد که دست‌فروشان عموماً مکان‌هایی با میزان تردد بالای مردم، از جمله محدودهٔ بازار، پیاده‌راه تربیت، آبرسان و ولیعصر را برای فعالیت انتخاب می‌کنند. بنابراین، در داده‌های حاصل از هر دو گروه مشارکت‌کنندگان، میزان تردد و دسترسی به مشتری به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر انتخاب مکان فعالیت شناسایی شد. همچنین،

بررسی مصاحبه‌ها دربارۀ فضای اختصاص‌یافته در سه‌راه محققی (امین) نشان داد پایین‌تر بودن میزان تردد و فاصلۀ بیشتر آن از مراکز تجاری، از عوامل کاهش جذابیت اقتصادی این مکان برای دست‌فروشان بوده است. در مقایسه با بازار و پیاده‌راه تربیت، تعداد واحدهای تجاری در این محدوده کمتر بوده و بخش بیشتری از مسیر ماهیت عبوری دارد؛ در نتیجه، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، افراد بیشتر از مسیر عبور می‌کنند و کمتر برای مشاهده و خرید کالاها توقف دارند (P3, P13). شرایط محیطی مکان جایگزین نیز در برخی مصاحبه‌ها مورد اشاره قرار گرفت. قرارگیری فضای استقرار در معرض تابش مستقیم آفتاب و دشواری توقف در این شرایط، از جمله عواملی بود که در ارزیابی دست‌فروشان از این مکان مطرح شد (P26). با این‌وجود، مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که در دوره‌های افزایش تقاضا، به‌ویژه در اسفندماه و نزدیک به نوروز، با افزایش تردد و استقبال از این محدوده مواجه می‌شوند (P13).

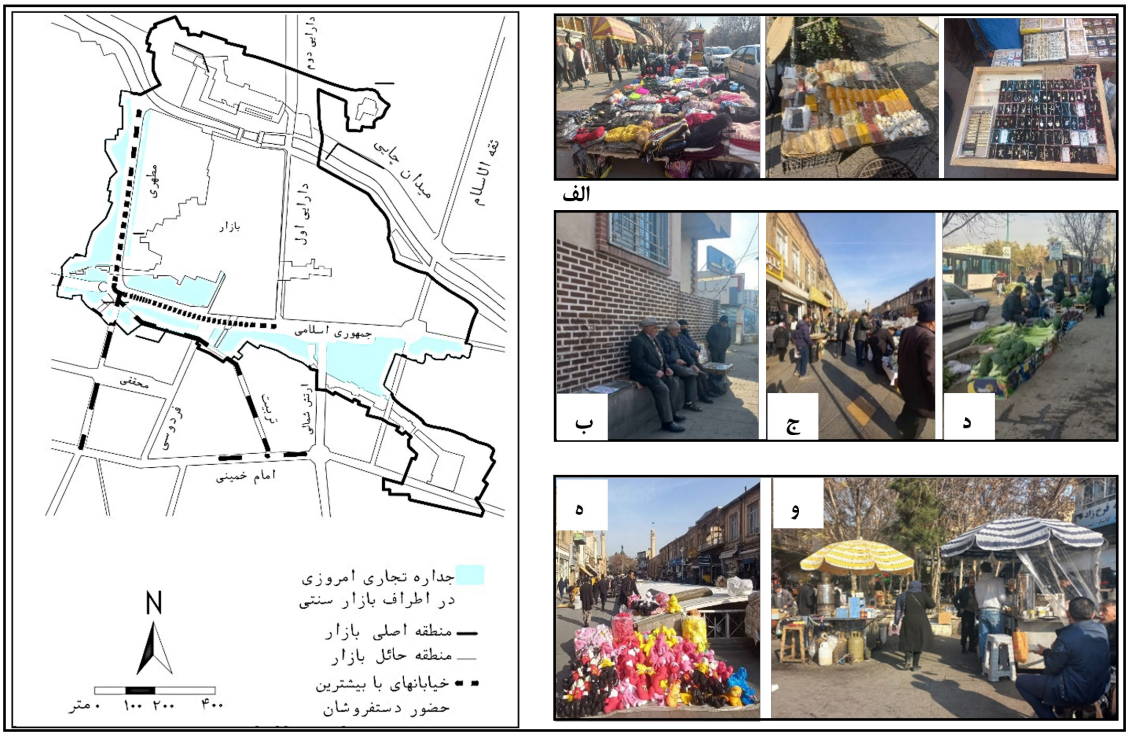
تنوع رفتاری و استفاده از فضای عمومی: مشاهدات میدانی نشان داد فعالیت دست‌فروشان در برخی محورهای پرتردد با فعالیت‌های روزمره‌ای مانند خرید، پیاده‌روی، توقف و مشاهدۀ کالاها همراه است. در مصاحبه با دست‌فروشان نیز وجود مشتریان ثابت و مراجعۀ مجدد برخی مشتریان مورد اشاره قرار گرفت (P23, P11). این موضوع نشان می‌دهد دست‌فروشی بخشی از فعالیت‌های جاری و روزمرۀ فضای عمومی محدوده را تشکیل می‌دهد. از طرفی، تمرکز دست‌فروشان در محورهایی مانند بازار و پیاده‌راه تربیت، به دلیل تردد بالای عابران و حضور مراکز تجاری، موجب هم‌زمانی فعالیت خرید و عرضۀ کالا با سایر فعالیت‌های جاری در فضای عمومی شده است (E1, P7). در نقاط پرتراکم، این هم‌زمانی می‌تواند با توقف عابران و جریان حرکت پیاده تداخل ایجاد کند (E3).

ملاحظات خدماتی ـ بهداشتی: در محدودۀ مطالعه، بخشی از فعالیت دست‌فروشان به عرضۀ مواد غذایی و خوراکی اختصاص دارد. مشاهدات میدانی نشان داد نحوۀ عرضه و استقرار این گروه از دست‌فروشان در نقاط مختلف یکسان نیست. با توجه به اینکه مصاحبه‌های انجام‌شده شواهد کافی برای ارزیابی مستقیم پیامدهای بهداشتی این فعالیت فراهم نکرده است، در این پژوهش از نسبت دادن پیامدهای قطعی بهداشتی به دست‌فروشی خودداری می‌شود.

اختلال در نظام حرکت و دسترسی: بر اساس یافته‌های میدانی، استقرار دست‌فروشان در برخی معابر پرتردد، بخشی از فضای قابل استفاده برای حرکت پیاده را اشغال می‌کند. این وضعیت به‌ویژه در پیاده‌راه تربیت و محدوده بازار، در نقاط دارای تراکم بیشتر، با کاهش عرض مفید مسیر و دشوار شدن حرکت عابران همراه است. یکی از مسئولان شهری نیز با اشاره به وضعیت پیاده‌راه تربیت، کاهش فضای عبور و دشوار شدن رفت‌وآمد مردم را از پیامدهای تمرکز دست‌فروشان در این محور عنوان کرد (E1). همچنین، به گفتۀ وی، ایجاد فضای جایگزین در سه‌راه محققی (امین) با هدف کاهش این تداخل انجام شده، اما به دلیل پایین‌تر بودن میزان تردد و جذابیت اقتصادی مکان، با استقبال کافی دست‌فروشان مواجه نشده است (E3).

مؤلفۀ کالبدی و فضایی

سازمان فضایی و الگوی استقرار: مشاهدات میدانی بیانگر آن است که استقرار دست‌فروشان در محدودۀ مطالعه از الگوی یکنواختی پیروی نمی‌کند و تمرکز آن‌ها عمدتاً در محورهای پرتردد و مجاور مراکز تجاری، به‌ویژه محدودۀ بازار و پیاده‌راه تربیت، بیشتر است. اظهارات دست‌فروشان نیز نشان داد میزان تردد و امکان دسترسی به مشتری از عوامل اصلی انتخاب این مکان‌هاست (P20, P11). مدیران شهری نیز تمرکز دست‌فروشان در مکان‌های پرتردد را تأیید کردند (E3). در مقابل، فضای اختصاص‌یافته در سه‌راه محققی (امین) به دلیل فاصلۀ بیشتر از مراکز تجاری و پایین‌تر بودن میزان تردد، از جذابیت کمتری برای استقرار دست‌فروشان برخوردار است (P20, P1). بنابراین، الگوی تجمیع مکانی دست‌فروشان با میزان تردد و تمرکز فعالیت‌های تجاری ارتباط مستقیم دارد. از مشاهدات میدانی می‌توان گفت که شکل استقرار دست‌فروشان متناسب با ویژگی‌های کالبدی و میزان تردد معابر تغییر می‌کند. در محورهای پرتردد، استقرارها عمدتاً در امتداد مسیر حرکت و در مجاورت لبه‌های فعال شکل گرفته‌اند و در برخی نقاط، تراکم بساط‌ها موجب کاهش فضای آزاد برای حرکت و توقف شده است. تفاوت در ابعاد بساط، نحوۀ چیدمان کالا و تجهیزات مورد استفاده نیز میزان اشغال فضای عمومی را تغییر می‌دهد (شکل ۳).



شکل ۳. چپ: منطقهٔ ۸ شهر تبریز با بیشترین میزان حضور پیاده‌روان؛ راست: (الف) پویایی‌های معیشتی، (ب) تعاملات اجتماعی، (ج) سازمان فضایی، (د) الگوی استقرار، (ه) تنوع فعالیت‌های روزمره، (و) خدمات تهیه و عرضهٔ غذای خیابانی

تأثیر بر منظر و بافت تاریخی: قرارگیری فعالیت دست‌فروشی در مجاورت عناصر تاریخی و جداره‌های ارزشمند، یکی از ویژگی‌های قابل توجه محدودهٔ مطالعه است. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد در برخی نقاط، بساط‌ها و کالاهای عرضه‌شده بخشی از فضای مجاور جداره‌ها را اشغال کرده و در نتیجه، دیدپذیری بخشی از عناصر معماری تاریخی را محدود می‌کنند.

یکی از مسئولان شهری نیز با اشاره به اهمیت تاریخی و گردشگری منطقهٔ ۸ و بازار تبریز، حضور متراکم دست‌فروشان در برخی نقاط را عاملی برای ایجاد اغتشاش در منظر فرهنگی محدوده ارزیابی کرد (E1). این دیدگاه با شواهد مشاهده‌ای دربارهٔ هم‌جواری فعالیت‌های موقت با عناصر تاریخی همخوانی دارد.

مؤلفهٔ معنایی ـ ادراکی

تعلق خاطر و پیوندهای اجتماعی: بر اساس مشاهدات میدانی، استقرار دست‌فروشان، فعالیت‌هایی مانند عرضه و خرید کالا، توقف، مشاهده و گفت‌وگوی میان فروشنده و مشتری را به فضای عمومی وارد می‌کند. برخی دست‌فروشان نیز از وجود مشتریان ثابت و مراجعهٔ مجدد برخی خریداران خبر دادند (P23, P10). دست‌فروشی در محدودهٔ مطالعه، بخشی از فعالیت‌های روزمره و اقتصادی فضای عمومی را شکل می‌دهد و حضور گروه‌های مختلف فروشندگان و مشتریان، تنوعی از تعاملات اجتماعی را در فضا ایجاد می‌کند (P27, P13). در عین حال، داده‌های موجود برای ارزیابی مستقل و قطعی تأثیر دست‌فروشی بر تنوع فرهنگی کافی نیست؛ بنابراین در این پژوهش از تعمیم این یافته به کل جامعه یا نسبت دادن پیامد مشخص فرهنگی به دست‌فروشی خودداری می‌شود. مشاهدات میدانی نشان داد حضور دست‌فروشان بخشی از تجربهٔ روزمرهٔ استفاده از فضاهای عمومی محدوده را شکل می‌دهد. از یک سو، تعامل میان دست‌فروشان و مشتریان و وجود مشتریان ثابت، حضور اجتماعی و فعالیت را در فضا تقویت می‌کند (P28,P6). از سوی دیگر، تراکم بساط‌ها و محدود شدن فضای حرکت در برخی نقاط می‌تواند تجربهٔ متفاوتی از استفاده از فضا برای عابران ایجاد کند (E2). با توجه به اینکه سنجش مستقیم احساس و ادراک شهروندان و گردشگران در قالب پرسشنامه یا مصاحبهٔ مستقل انجام نشده، یافته‌های این بخش فقط بر شواهد مشاهده‌ای و دیدگاه مشارکت‌کنندگان استوار است و نمی‌توان آن را به کل کاربران محدوده تعمیم داد.

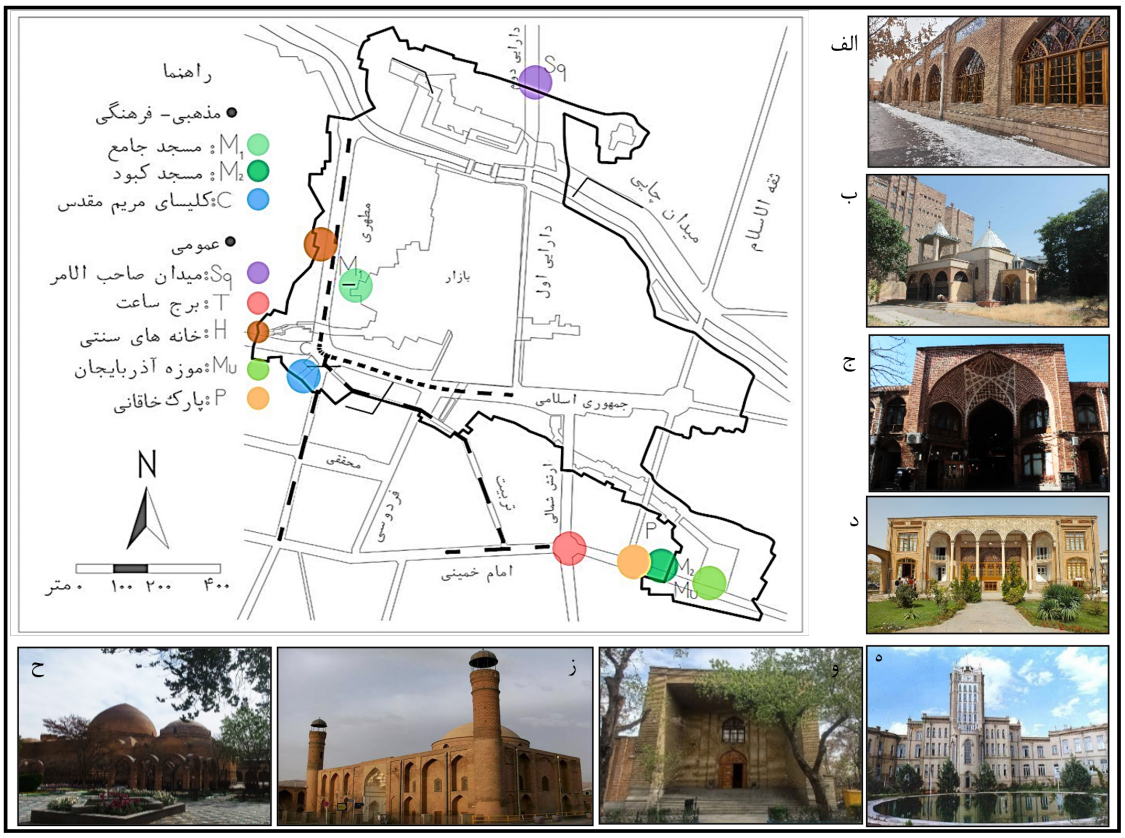
ادراک کیفیت و امنیت محیطی: در مقابل، افزایش تراکم بساط‌ها در محورهای پرتردد، با افزایش توقف و تجمع در مسیر حرکت همراه شده و در برخی نقاط با جریان عبوری عابران تداخل ایجاد می‌کند (E1). یافته‌های میدانی بیانگر آن است که افزایش تراکم دست‌فروشان در برخی نقاط پرتردد، موجب افزایش توقف و تجمع در مسیرهای حرکتی و محدود شدن فضای عبور عابران می‌شود. یکی از مسئولان شهری نیز دشوار شدن رفت‌وآمد و افزایش تراکم در برخی نقاط را از پیامدهای تمرکز دست‌فروشان عنوان کرد (E1). همچنین، در برخی اظهارات، به شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار در شرایط ازدحام و تراکم فعالیت‌های تجاری اشاره شد (E2). بر این‌اساس، یافته‌های پژوهش در این بخش بیشتر بر تراکم، ازدحام، محدودیت حرکت و اختلال در نظم استفاده از فضای عمومی متمرکز است و از نسبت دادن وقوع جرم مشخص به فعالیت دست‌فروشی خودداری می‌شود.

منطقهٔ ۸ تبریز و به‌ویژه بازار تاریخی تبریز، از مهم‌ترین کانون‌های تاریخی و گردشگری شهر به شمار می‌رود. یکی از مسئولان شهری با اشاره به اهمیت تاریخی و فرهنگی این محدوده، تمرکز دست‌فروشان در برخی نقاط را موجب ایجاد اغتشاش در منظر فرهنگی و کاهش امکان توجه بازدیدکنندگان به ویژگی‌های معماری تاریخی ارزیابی کرد (E3). مشاهدات میدانی نیز نشان داد در برخی

نقـاط، اسـتقرار بسـاط‌ها در مجـاورت جداره‌ها و عناصر تاریخی، بخشـی از دید به این عناصر را محدود می‌کند.

منطقـهٔ ۸ تبریـز و به‌ویـژه بـازار تاریخـی تبریـز، ارزش‌هـای تاریخـی و فرهنگـی شـاخصی (ماننـد بازار تاریخی، پیـاده‌راه تربیت، مسـجد جامع، خانـهٔ مشـروطه و کلیسـای مریـم مقـدس) دارد (شـکل ۴). بـر اسـاس اظهـارات یکـی از مسـئولان شـهری، حضـور متراکـم دست‌فروشـان در برخـی نقـاط موجـب می‌شـود فعالیت‌هـای تجـاری موقـت بـر عناصـر تاریخی و معماری ارزشمند محدودهٔ غلبه بصری پیدا کند (E2).

مشـاهدات میدانـی نشـان داد در برخـی نقـاط، بسـاط‌ها و کالاهـای عرضه‌شـده در مجـاورت عناصـر و جداره‌هـای تاریخـی قـرار گرفتـه و بخشـی از منظـر ایـن عناصـر را در بـر می‌گیرنـد. از ایـن‌رو، حضـور دست‌فروشـی در ایـن محـدوده را می‌تـوان از منظـر هم‌نشـینی فعالیت‌هـای موقـت بـا عناصـر دارای ارزش تاریخـی و فرهنگـی مـورد توجه قرار داد.



شکل ۴. نقشهٔ بافت تاریخی شهر تبریز به‌مثابه عرصه‌ای از نمادها و نشانه‌های شهری؛ اقتباس‌شده از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (ICHHTO, 2009). (الف) مسجد جامع تبریز، (ب) کلیسای مریم مقدس، (ج) بازار بزرگ تبریز، (د) خانهٔ تاریخی بهنام، (ه) برج ساعت، (و) موزه آذربایجان، (ز) میدان صاحب‌الامر. (ح) مسجد کبود و پارک خاقانی

مضامین نوظهور

در جریـان تحلیـل اسـتقرایی، مضامینـی اسـتخراج شـدند که خـارج از دسـتگاه سـه‌گانه اولیـه قـرار داشـتند. ایـن مضامیـن شـامل پویایی‌های قـدرت و حکمرانـی غیررسـمی، چالش‌هـای نهـادی و عـدم پذیـرش سـاماندهی، سـازوکارهای چانه‌زنـی روزمـره، تـاب‌آوری و زیسـت‌پذیری معیشـتی خرد، همبسـتگی و شـبکه‌های حمایـت متقابـل و زمان‌مندی و سـیالیت فضایـی ـ نهـادی اسـت. ایـن مضامیـن بـه صـورت مسـتقل گزارش شده‌اند.

مرور یکپارچهٔ نتایج تحلیل مضمون

براسـاس نتایـج به‌دسـت‌آمده از تحلیـل مضمون اسـتقرایی بیـن فعالیت دسـت‌فروشـی و نیازهـای معیشـتی و ویژگی‌هایـی ماننـد هزینـهٔ پاییـن ورود و اسـتقلال شـغلی ارتبـاط وجـود دارد. همچنیـن، میـزان تـردد، مجـاورت بـا مراکـز تجـاری و امـکان دسترسـی بـه مشـتریان بـر الگوی مکانـی محـل دست‌فروشـی تأثیـر گذاشـته اسـت. شـکل‌گیری تعاملات مسـتقیم میان فروشـندگان و مشـتریان به واسـطهٔ حضور دست‌فروشان قابلیـت شـکل‌گیری داشـته و از سـوی دیگـر افزایـش تراکـم فعالیـت دست‌فروشـان می‌توانـد نحـوهٔ اسـتفادهٔ اجتماعـی و حرکتـی از فضـای عمومـی را تحـت تأثیـر قـرار دهـد. با وجـود مـوارد اشاره‌شـده نمی‌توان دست‌فروشـی در منطقـهٔ ۸ تبریـز را بـه صـورت یک‌بعـدی و فقط عامل مزاحـم در نظـر گرفـت کـه علـت آن نقش‌هـای اقتصـادی، اجتماعـی و خدماتـی دست‌فروشـان اسـت. پیامدهـای منفـی آن نیـز در زمینـهٔ دسترسی، بهداشت، ازدحام و تعارض‌های فضایی است.

از نظـر کالبـدی می‌تـوان گفـت که نحـوهٔ اسـتقرار، میزان اشـغال فضا و رابطهٔ بسـاط‌ها با سـاختار و لبه‌هـای فضایی معبر از اثرات دست‌فروشـی اسـت. همچنیـن، از اثـرات منفـی دست‌فروشـی می‌تـوان بـه کاهـش دیدپذیـری جداره‌هـا و عناصـر تاریخـی و تشـدید اغتشـاش منظـر کالبـدی و فرهنگـی اشـاره داشـت. در بعـد معنایـی و ادراکـی، حیـات اجتماعـی و تنـوع فعالیت‌هـا بـا حضـور دست‌فروشـان پررنگ‌تـر شـده،

ولی تراکم فعالیت آنان می‌تواند موجب ازدحام، کاهش خوانایی و محدودیت در ادراک عناصر تاریخی و فرهنگی شود.
علاوه بر موارد یادشده، مضامین نوظهوری نیز از داده‌ها استخراج شد که شامل پویایی‌های قدرت و حکمرانی غیررسمی، چالش‌های نهادی و عدم پذیرش ساماندهی، سازوکارهای چانه‌زنی روزمره، شبکه‌های حمایت متقابل، تاب‌آوری معیشتی و سیالیت زمانی ـ فضایی است. این مضامین پیوند بین دست‌فروشی با روابط قدرت غیررسمی، راهبردهای بقا و پویایی‌های زمانی فضا را مشخص کرده‌اند. با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که دست‌فروشی پدیده‌ای چندوجهی است که دارای ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی است و قابلیت ایجاد پیامدهای کالبدی و ادراکی را دارد. درک این پیچیدگی پیش‌نیاز هرگونه سیاست ساماندهی مؤثر و مشارکتی است.

۲.۵. یافته‌های حاصل از تحلیل دیدگاه متخصصان دربارهٔ طرح‌های ساماندهی دست‌فروشان (منطقهٔ ۸ تبریز)

طرح ساماندهی دست‌فروشان با عنوان «شنبه‌های بدون دست‌فروش» در کلیهٔ معابر منطقهٔ ۸ شهرداری در قالب جمع‌آوری بساط دست‌فروشان به منظور ممانعت از ایجاد سد معبر، بازگشت معابر شهری و بهبود منظر شهری در دستور کار شهرداری واقع شد. این طرح، اکنون به صورت پایلوت (از بهمن‌ماه ۱۴۰۲) اجرا می‌شود. درخور یادآوری است که برای اجرای این طرح، شهرداری به عنوان نهاد اجرایی، با نمایندگان دست‌فروشان هماهنگی‌های لازم را انجام داده و دست‌فروشان، موظف به همکاری شده‌اند. بنا به گزارش معاونت خدمات شهری منطقهٔ ۸، این طرح به‌زودی در سایر روزهای هفته نیز در معابر پرتردد منطقهٔ ۸، اجرایی می‌شود.
درخور یادآوری است نوعی ساماندهی زمانی با تعیین ساعت‌های فعالیت برای دست‌فروشان در بازار تربیت در حال اجرا است، به طوری که دست‌فروشان این محل تا ساعت ۱۱ صبح قبل از شروع به کار مغازه‌ها در محل تعیین‌شده فعالیت خود را انجام داده و بعد از ساعت ۹ شب و اتمام فعالیت کسبه، دوباره دست‌فروشی در این معبر بلامانع باشد.
یکی دیگر از طرح‌های اجراشده توسط شهرداری منطقهٔ ۸ برای ساماندهی دست‌فروشان، مکان‌یابی و ساماندهی درجا در سه‌راه محققی (امین) است که این طرح به علت عدم همراهی دست‌فروشان، اعتراض اهالی و عدم حمایت از سوی ارگان‌های ذی‌ربط با شکست مواجه شده است (شکل ۵).



شکل ۵. نمونه‌ای از ساماندهی دست‌فروشان در تبریز (سه‌راه محققی (امین))

یافته‌های حاصل از مجموع مصاحبه با مسئولان و متخصصان (۴ نفر) نشان می‌دهد یکی از عوامل مهم در عدم موفقیت طرح‌های ساماندهی، غلبهٔ اقدامات اجرایی بر سیاست‌گذاری بلندمدت است. به گفتهٔ مشارکت‌کنندگان، در بسیاری از موارد، رویکرد مدیریت شهری به جمع‌آوری یا انتقال دست‌فروشان از یک محدوده محدود شده و برای اشتغال، معیشت، مکان جایگزین و شرایط فعالیت آنان برنامه مشخصی پیش‌بینی نشده است. در نتیجه، بسیاری از اقدامات انجام‌شده به جای حل ریشه‌ای مسئله، تنها به تغییر مکان و شکل بروز دست‌فروشی منجر شده‌اند.
مشارکت‌کنندگان همچنین بر ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول تأکید کردند. اگرچه سازمان‌ها و نهادهای متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع دست‌فروشی در ارتباط هستند، حدود مسئولیت‌ها، تقسیم کار و نقش هر یک در فرایند ساماندهی همواره به طور دقیق و روشن تعریف نشده است. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری موازی‌کاری، تداخل وظایف و در برخی موارد اتلاف منابع بوده است.
مصاحبه‌ها نشان داد بخش قابل توجهی از طرح‌های اجراشده، ماهیتی دستوری و از بالا به پایین داشته‌اند. تصمیم‌ها عمدتاً در سطح مدیریت اتخاذ شده و سپس برای اجرا ابلاغ شده‌اند و در این فرایند، مشارکت واقعی دست‌فروشان و حتی متخصصان محدود بوده است. کوتاه‌مدت بودن بسیاری از طرح‌ها و تمرکز آن‌ها بر کنترل فوری شرایط نیز سبب شده جنبه‌های بلندمدت و ریشه‌ای مسئله کمتر مورد توجه قرار گیرد.
به اعتقاد مشارکت‌کنندگان، رسانه‌ها نیز در این زمینه نقش دارند، اما عمدتاً هنگام وقوع رخدادهایی مانند درگیری، جمع‌آوری یا ایجاد مزاحمت به موضوع دست‌فروشی می‌پردازند و در نتیجه، بازنمایی این پدیده اغلب مقطعی و منفی است. در مقابل، ابعاد اقتصادی و اجتماعی دست‌فروشی، شرایط معیشتی دست‌فروشان، حقوق آنان و راهکارهای واقع‌بینانه کمتر در رسانه‌ها بازتاب یافته است. در برخورد با دست‌فروشی نیز مدیران گاهی به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی ناچار به تساهل می‌شوند و از سوی دیگر، برخوردهای ناگهانی و قهری می‌تواند مسئله را تشدید کند. مشکل اصلی را می‌توان در نبود چارچوبی روشن و پایدار برای ساماندهی دانست؛ چارچوبی که هم حقوق شهروندان و کسبه را در نظر بگیرد و هم شرایط معیشتی دست‌فروشان را. مشارکت‌کنندگان در این زمینه بر ضرورت گذار از مدیریت فقط دستوری به مدیریت مشارکتی و حمایتی تأکید کردند. این تأکید با مضامین «همبستگی و شبکه‌های حمایت متقابل» و «تاب‌آوری و زیست‌پذیری معیشتی

خـرد» که از سـوی خـود دست‌فروشـان شناسـایی شـده بود، هم‌راسـتا است.

یافته‌هـای ایـن بخـش نشـان می‌دهـد موفقیـت طرح‌هـای سـاماندهی بیـش از اقدامـات فیزیکی و جمـع‌آوری، به کیفیت فراینـد حکمرانی، به رسـمیت شـناختن سـازوکارهای غیررسـمی موجود و طراحی مشارکتی و تدریجـی بسـتگی دارد. چنانچـه پیداسـت ایـن یافته‌هـا، بـر پایـه چارچـوب مفهومـی پژوهـش همراه با بُعـد رویه‌ای (جنبه‌هـای فرایندی، مدیریتـی و حکمرانی) منطبق شـده اسـت. یـادآوری این نکتـه نیز لازم اسـت کـه مضامیـن نوظهـور پژوهـش ـ چالش‌هـای نهـادی و عـدم پذیـرش سـاماندهی، پویایی‌هـای قـدرت و حکمرانـی غیررسـمی، سـازوکارهای چانه‌زنـی روزمـره و همبسـتگی و شـبکه‌های حمایـت متقابـل- در چارچـوب بُعـد رویـه‌ای جـای گرفته‌انـد. در ادامـه کدهـای به‌دست‌آمده در جدول ۵ ارائه می‌شود.

جدول ۵. فرایند تحلیل مضمون و استخراج مقوله‌ها و مضامین از داده‌های مصاحبه

مؤلفهٔ سازمان‌دهنده	کد اصلی	مضمون	ارتباط با مضامین پژوهش
مؤلفه‌های نوظهور / رویه‌ای	خلأ سیاست‌گذاری در ساماندهی دست‌فروشان	غلبه اقدامات اجرایی بر سیاست‌گذاری بلندمدت؛ نبود برنامه برای اشتغال، معیشت و مکان جایگزین؛ جابه‌جایی به جای حل ریشه‌ای مسئله	چالش‌های نهادی و عدم پذیرش ساماندهی پویایی‌های معیشتی و انگیزه‌های شغلی
مؤلفه‌های نوظهور / رویه‌ای	ضعف انسجام برنامه‌ها	ضعف هماهنگی بین دستگاه‌ها؛ نامشخص بودن تقسیم کار و مسئولیت‌ها؛ موازی‌کاری؛ تداخل وظایف؛ اتلاف منابع	پویایی‌های قدرت و حکمرانی غیررسمی اختلال در نظام حرکت و دسترسی
مؤلفه‌های نوظهور / رویه‌ای	سبک مدیریتی	مدیریت دستوری و از بالا به پایین؛ کوتاه‌مدت بودن طرح‌ها؛ مشارکت محدود دست‌فروشان و متخصصان	سازوکارهای چانه‌زنی روزمره همبستگی و شبکه‌های حمایت متقابل تعلق خاطر و پیوندهای اجتماعی
مؤلفهٔ معنایی ـ ادراکی	عدم سیاست‌گذاری در حوزهٔ تولیدات فرهنگی	ورود مقطعی رسانه به موضوع؛ بازنمایی منفی و یک‌بعدی دست‌فروشی؛ کم‌توجهی به سایر ابعاد درگیر در دست‌فروشی	ادراک کیفیت و امنیت محیطی
مؤلفه‌های نوظهور / رویه‌ای	مسامحه در امر ساماندهی	اجرای قوانین به صورت سلیقه‌ای، ایجاد روابط غیرشفاف بر اثر نبود ضابطه، برخورد قهری بدون حل عوامل زمینه‌ای	پویایی‌های قدرت و حکمرانی غیررسمی سازوکارهای چانه‌زنی روزمره
مؤلفه‌های نوظهور/ رویه‌ای	ضرورت رویکرد مشارکتی و تدریجی	تأکید بر گذار از مدیریت دستوری به مدیریت مشارکتی و حمایتی؛ نیاز به چارچوب پایدار و همه‌جانبه‌نگر	تاب‌آوری و زیست‌پذیری معیشتی خرد زمان‌مندی و سیالیت فضایی ـ نهادی جاذبه‌ها و محدودیت‌های مکان‌گزینی

۶. بحث

بـا توجـه بـه یافته‌هـای پژوهش حاضـر دربـارهٔ تمرکز دست‌فروشـان در محدوده‌هـای پرتـردد منطقـهٔ ۸ تبریـز و تأثیـر حضـور آن‌هـا بـر ابعـاد کالبـدی، کارکـردی و معنایـی ـ ادراکـی منظـر شـهری، بررسـی تجربه‌های سـاماندهی در سـایر شـهرها و محدوده‌های شـهری می‌تواند بـه شـناخت بهتـر ظرفیت‌هـا، چالش‌هـا و الزامـات مدیریت ایـن فعالیت کمـک کنـد. ایـن تجربه‌ها فقـط نمونه‌هایـی از جمع‌آوری یـا جابه‌جایی دست‌فروشـان نیسـتند؛ بلکـه نشـان می‌دهنـد مدیریـت شـهری چگونه می‌توانـد میـان فعالیـت اقتصادی، فضـای عمومی، حرکت عابـر، کیفیت کالبـدی فضـا و هویـت و ادراک شـهروندان تعـادل ایجـاد کنـد. بـر همین‌اسـاس، پنـج تجربـه شـامل مشـهد، منطقـهٔ ۵ تبریـز، منطقهٔ ۱۰ تهـران، سـنندج و کـن تهـران مورد بررسـی قـرار گرفته‌اند تا از بررسـی آن‌هـا، نـکات قابل اسـتفاده برای سـاماندهی دست‌فروشـان در منطقهٔ ۸ تبریز استخراج شود.

در مشـهد، ایجـاد بازارچه‌هـای مشـخص و هماهنگـی میـان نهادهـای مختلـف، زمینـهٔ نظم‌بخشـی بـه اسـتقرار دست‌فروشـان را فراهـم کرده اسـت. ایـن رویکـرد از نظـر کالبـدی به کاهـش اشـغال نامنظـم معابر و سـامان‌یافتگی فضـای اسـتقرار، از نظـر کارکـردی بـه بهبـود حرکـت و دسترسـی عابـران و از نظـر معنایـی ـ ادراکی به افزایش نظـم و خوانایی فضـای شـهری کمـک می‌کند (E1). نکتـهٔ مهم برای منطقـهٔ ۸ تبریز آن اسـت کـه سـاماندهی نباید تنها بـه تعیین محل اسـتقرار محدود شـود، بلکـه بایـد با ویژگی‌هـای تاریخی و گردشـگری فضا و کیفیـت منظر آن نیز هماهنگ باشد.

در طـرح بـازار خیابـان پیـاده‌راه شـهریار در منطقـهٔ ۵ تبریـز، اقداماتـی ماننـد شناسـایی و ثبـت دست‌فروشـان و تعییـن محـل مشـخص بـرای اسـتقرار آن‌هـا، نقـش مهمـی در نظم‌دهـی فعالیـت داشـته اسـت. ایـن تجربـه نشـان می‌دهـد حتـی اقدامـات نسـبتاً سـاده‌ای ماننـد تعییـن مـکان، شـماره‌گذاری و سـازمان‌دهی اسـتقرار می‌توانـد در سـاماندهی کالبـدی فضـا مؤثـر باشـد. در کنـار آن، حفـظ مسـیر حرکـت عابـران و دسترسـی مناسـب، جنبـهٔ کارکـردی طـرح را تقویـت می‌کنـد و نظـم بیشـتر محیـط نیـز می‌توانـد بـه بهبـود کیفیـت ادراکـی و خوانایی فضا منجـر شـود (E1). از ایـن نظـر، تجربـهٔ منطقـهٔ ۵ تبریـز می‌توانـد برای محدوده‌هـای مشـابه در منطقـهٔ ۸، به‌ویـژه فضاهـای تاریخـی و تجاری، قابل توجه باشد.

در منطقـهٔ ۱۰ تهـران، تمرکـز دست‌فروشـان در محدوده‌هایـی ماننـد بوسـتان نـور و خیابان‌هـای رودکـی و هاشـمی، پیامدهایی مانند اشـغال فضـای پیـاده، کاهـش کیفیـت دسترسـی و افزایـش بی‌نظمـی بصری و صوتـی ایجـاد کـرده اسـت. در اینجا مسـئله تنهـا حضور دست‌فروشـان نیسـت، بلکـه نحوهٔ اسـتقرار آن‌ها و تأثیرشـان بر کالبـد و عملکرد فضای عمومـی اسـت؛ بـه گونـه‌ای کـه اختـلال در حرکـت و کاهـش کیفیـت محیـط می‌توانـد در نهایـت برداشـت و رضایت شـهروندان از فضـا را نیز تحـت تأثیـر قـرار دهـد (Sadeghi et al., 2020: 39). تجربـهٔ ایـن محـدوده نشـان می‌دهـد فقـط برخـورد سـلبی و حـذف دست‌فروشـان، بـدون توجـه بـه نیازهـای اقتصـادی و بـدون ایجـاد فضـای جایگزیـن،

نمی‌تواند راهکاری پایدار برای ساماندهی باشد.
در خیابان فردوسی سنندج، گسترش دست‌فروشی تا حد زیادی با مسائلی مانند بیکاری، محدودیت سرمایه و کمبود فرصت‌های شغلی ارتباط دارد. به همین‌دلیل، اقدامات مقطعی و صرفاً کالبدی نتوانسته‌اند مسئله را به شکل پایدار حل کنند (Mir-Ahmadi, 2018: 101-136). این تجربه نشان می‌دهد ساماندهی زمانی می‌تواند موفق باشد که در کنار کنترل اشغال و بی‌نظمی فضایی، به کارکرد اقتصادی و اجتماعی فعالیت نیز توجه شود. از سوی دیگر، نحوهٔ برخورد با دست‌فروشان می‌تواند بر برداشت شهروندان از عدالت، سرزندگی و اجتماعی بودن فضای عمومی نیز اثرگذار باشد؛ بنابراین، مؤلفهٔ معنایی ـ ادراکی در این تجربه نیز قابل توجه است.
در محدودهٔ تاریخی کن تهران، حضور دست‌فروشان در برخی فضاها موجب اشغال بخشی از مسیرهای پیاده و ایجاد بی‌نظمی شده، اما استفاده از بازارهای موقت محلی، امکان هدایت این فعالیت به فضاهای مشخص را فراهم کرده است (Mazloomi & Attarzadeh, 2019: 46; Mazloomi, & Estelaji, 2021).
اهمیت این تجربه برای پژوهش حاضر، ارتباط میان ساماندهی و هویت مکان است. در این رویکرد، ساماندهی کالبدی و تنظیم حرکت و فعالیت در فضا، در کنار توجه به ویژگی‌های تاریخی و هویتی محدوده قرار می‌گیرد. بنابراین، در منطقهٔ ۸ تبریز نیز ساماندهی باید به گونه‌ای انجام شود که ضمن تأمین نیازهای اقتصادی و حفظ عملکرد مناسب فضا، به هویت تاریخی، خوانایی و کیفیت ادراکی منظر شهری آسیب وارد نکند.
در مجموع، مقایسهٔ این تجربه‌ها نشان می‌دهد مسئلهٔ دست‌فروشی را نمی‌توان فقط به عنوان یک مشکل تک‌بعدی در نظر گرفت. چرا که هم بعد کالبدی، بعد کارکردی، بعد معنایی ـ ادراکی و بعد رویه‌ای را دربرمی‌گیرد. بنابراین، تجربه‌های بررسی‌شده نشان می‌دهند ساماندهی موفق، نیازمند ایجاد تعادل میان این مؤلفه‌هاست و نمی‌توان با تمرکز صرف بر یکی از آن‌ها به راهکاری پایدار دست یافت. بر این‌اساس، در منطقهٔ ۸ تبریز نیز می‌توان با ترکیب ساماندهی فضایی، تنظیم عملکردی فعالیت و توجه به هویت و کیفیت ادراکی منظر و توجه به مدیریت و حکمرانی بهینه، الگویی متناسب با ویژگی‌های تاریخی، گردشگری و تجاری این محدوده ارائه کرد.

۷. نتیجه‌گیری

تحلیل مضمون استقرایی نشان می‌دهد دست‌فروشی در منطقهٔ ۸ تبریز پدیده‌ای چندلایه است و نمی‌توان آن را فقط فعالیتی مزاحم یا مخل فضای شهری دانست. با استفاده از مضامین استخراج‌شده از داده‌ها می‌توان گفت که دست‌فروشی از یک سو به تأمین معیشت خانوار، هزینهٔ پایین ورود به بازار کار و استقلال شغلی کمک کرده و از سوی دیگر با شکل‌دهی به روابط مکرّر میان فروشنده و مشتری و هم‌زمانی با کنش‌هایی مانند خرید، پیاده‌روی، توقف و مشاهده، بر کاربری اجتماعی و روزمرهٔ فضای عمومی اثر می‌گذارد. از طرفی دیگر، تمرکز دست‌فروشان در محورهای پرتردد و مجاورت مراکز تجاری ـ که ظرفیت فضایی محدودی دارند ـ می‌تواند عرض مفید معابر را کاهش دهد، حرکت عابران را مختل کرده و تراکم افزوده ایجاد کند و درنهایت، تعارض میان فعالیت‌های مختلف در فضای عمومی را تشدید کند.
الگوی استقرار دست‌فروشان از نظر کالبدی و فضایی، به‌شدت تحت تأثیر میزان تردد و نزدیکی به مراکز تجاری است. تجمیع آنان در محدودهٔ بازار و پیاده‌راه تربیت پررنگ‌تر است، در صورتی که مکان‌هایی با تردد کمتر و فاصلهٔ بیشتر از کانون‌های تجاری، مانند فضای اختصاص‌یافته در سه‌راه محققی (امین)، جذابیت محدودتری دارند. مجاورت بساط‌ها با جداره‌ها و عناصر تاریخی در برخی نقاط نیز، دیدپذیری را کاهش می‌دهد و بر اغتشاش منظر کالبدی و فرهنگی محدوده می‌افزاید. تأثیر کالبدی دست‌فروشی علاوه بر تعداد دست‌فروشان؛ با عواملی همچون نحوهٔ استقرار، میزان اشغال فضا، رابطه با لبه‌های فضایی و ویژگی‌های کالبدی هر مکان در ارتباط است.
در حوزهٔ معنایی و ادراکی، حضور دست‌فروشان با تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و تعاملات، در شکل‌دهی به تجربهٔ روزمره و حیات اجتماعی فضا نقش به‌سزایی دارد، اما تراکم بالا در برخی نقاط به توقف و تجمع، اختلال در حرکت و کاهش خوانایی فضا می‌انجامد. استقرار متراکم بساط‌ها در مجاورت عناصر تاریخی نیز می‌تواند موجب غلبهٔ بصری فعالیت‌های موقت بر ارزش‌های معماری و فرهنگی بافت محدوده شود. یافته‌های مرتبط با امنیت نیز بیشتر بر پیامدهای ناشی از تراکم، ازدحام و محدودیت حرکت متمرکز بوده و بر انتساب مستقیم جرم به دست‌فروشی کمتر تأکید می‌کند.
همچنین، تحلیل استقرایی، مضامینی را ارائه می‌کند که خارج از دستگاه سه‌گانه اولیه قرار دارند. از جمله این مضامین، می‌توان به شکل‌گیری قلمروخواهی و حق تقدم فضایی غیررسمی میان دست‌فروشان، توافق‌ها و چانه‌زنی‌های روزمره با کاسبان و مأموران، شبکه‌های حمایت متقابل، نقش دست‌فروشی به عنوان سازوکار تاب‌آوری معیشتی خانوار، سیالیت زمانی ـ فضایی و حضور در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز اشاره کرد. این مضامین نشان می‌دهد دست‌فروشی تنها یک فعالیت اقتصادی یا کالبدی نیست؛ بلکه با روابط قدرت غیررسمی، سازوکارهای بقا و پویایی‌های زمانی فضا نیز پیوند دارد.
در رابطه با مصاحبه‌های انجام‌شده با مسئولان و متخصصان نیز باید گفت که عدم موفقیت طرح‌های ساماندهی دست‌فروشان را نمی‌توان به یک عامل منفرد نسبت داد؛ بلکه این وضعیت حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل شامل خلأ سیاست‌گذاری، ضعف هماهنگی و انسجام نهادی، شیوه‌های مدیریتی نامتناسب، فقدان سیاست فرهنگی ـ رسانه‌ای و برخوردهای ناپایدار و مقطعی با پدیدهٔ دست‌فروشی است. یافته‌ها بیانگر آن است که غلبهٔ رویکردهای اجرایی و کنترلی، نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و مشارکت محدود ذی‌نفعان، موجب شده تا بخش قابل توجهی از اقدامات به جای حل ریشه‌ای مسئله، بیشتر به کنترل موقت و جابه‌جایی آن منجر شود. از طرفی دیگر، نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول و فقدان چارچوب روشن در سیاست‌گذاری و اجرا، بر پیچیدگی و ناکارآمدی فرایند ساماندهی افزوده است. همچنین، کم‌توجهی به نقش رسانه و تولیدات فرهنگی و بازنمایی عمدتاً مقطعی و منفی دست‌فروشی، بر شکل‌گیری نگرش عمومی نسبت به این پدیده تأثیرگذار بوده است. برآیند این یافته‌ها بر ضرورت گذار از سیاست‌های پراکنده، مقطعی و عمدتاً کنترلی به سمت ساماندهی جامع، هماهنگ، مشارکتی و تدریجی تأکید دارد؛ رویکردی که ضمن برخورداری از چارچوب‌های روشن سیاستی و اجرایی، بتواند میان الزامات نظم و کیفیت فضای شهری، شرایط معیشتی دست‌فروشان و منافع سایر ذی‌نفعان تعادل برقرار کند.
در مجموع، باید گفت که مسئلهٔ اصلی نه حذف دست‌فروشی از فضای شهری، بلکه ایجاد تعادل میان کارکردهای اقتصادی و

اجتماعی آن با الزامات دسترسی، ایمنی، کیفیت منظر و حقوق دیگر استفاده‌کنندگان از فضا است. ساماندهی مؤثر دست‌فروشان در بافت تاریخی منطقهٔ ۸ تبریز نیازمند رویکردی تدریجی، مشارکتی و مکان‌محور است تا ضمن حفظ ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی، با انتخاب مکان مناسب، کنترل تراکم، تأمین دسترسی مطلوب و مدیریت تعارض‌های فضایی؛ کیفیت فضای عمومی و تجربهٔ شهروندان و گردشگران را ارتقا دهد. این ساماندهی باید علاوه بر ملاحظات عملکردی، به حفظ هویت تاریخی، خوانایی منظر و نحوهٔ هم‌نشینی فعالیت‌های موقت با عناصر ارزشمند شهری نیز توجه داشته باشد. جنبه‌هایی مانند وابستگی معیشتی دست‌فروشان، هزینهٔ پایین ورود به فعالیت و مقاومت در برابر مکان‌های جایگزین رسمی با رویکرد قانون‌گرا ـ که بر موانع نهادی و انگیزه‌های کارآفرینانه تأکید می‌کند ـ هم‌راستا است. مضامینی همچون قلمروخواهی غیررسمی، توافق‌ها و چانه‌زنی روزمره میان دست‌فروشان، کاسبان و مأموران و شکل‌گیری شبکه‌های حمایت متقابل نیز با نگاه ساخت‌گرا به روابط قدرت و وابستگی ساختاری بخش غیررسمی به فضای رسمی شهر نزدیکی بیشتری دارد. مضامین نوظهوری مانند سیالیت زمانی ـ فضایی حضور دست‌فروشان و نقش این فعالیت به عنوان سازوکار تاب‌آوری معیشتی خانوار، آشکار می‌کنند که اقتصاد غیررسمی در بافت تاریخی مورد مطالعه فقط محصول ساختارهای کلان یا موانع قانونی نیست و با پویایی‌های روزمره، روابط اجتماعی و استراتژی‌های بقا درهم‌تنیده است. در ادامه جدول ۶، به ارائهٔ خلاصه‌ای از راهبردهای اجرایی در خصوص دست‌فروشی و منظر شهری (کارکردی، کالبدی ـ فضایی، معنایی ـ ادراکی و مضامین نوظهور) می‌پردازد.

جدول ۶. خلاصه‌ای از راهبردهای اجرایی در خصوص دست‌فروشی و منظر شهری

راهبردها و درس‌های اجرایی در خصوص دست‌فروشی و منظر شهری	
مؤلفهٔ سازمان‌دهنده	درس‌ها و پیشنهادهای اجرایی
مؤلفهٔ کارکردی	- طراحی فراگیر کارکردی (رویکردی برای تأمین و سازمان‌دهی جامع کالاها، خدمات و فعالیت‌های مورد نیاز از طریق مدیریت و هماهنگی بهینهٔ عملکردهای موجود، مانند یک بازار محلی که در آن هم‌زمان مواد غذایی، پوشاک، تعمیرات و غذای آماده ارائه شده و نیازهای متنوع مردم در یک محدوده پاسخ داده می‌شود). - تأمین دسترسی برای گروه‌های مختلف - تأمین زیرساخت‌ها و امکانات پشتیبان مورد نیاز - توجه به تناسب مقیاس و ابعاد فعالیت‌ها با ظرفیت فضا - ایجاد تسهیلات بهداشتی و استقرار نظام جمع‌آوری زباله و پسماند - فراهم آوردن دسترسی مناسب به فضای پارکینگ - ایجاد امکان فعالیت دست‌فروشان در روزهای خاص (مانند سه‌شنبه، پنجشنبه و شنبه)
مؤلفهٔ کالبدی و فضایی	- طراحی فراگیر مکانی (رویکردی برای بهره‌گیری بهینه و چندمنظوره از فضاهای موجود از طریق مدیریت فضایی و زمانی فعالیت‌ها؛ مانند استفاده از یک فضای شهری برای برگزاری جمعه‌بازار در زمان مشخص). - به‌اشتراک‌گذاری فضا طی یک زمان مشخص (به عنوان مثال: برای بازارهای هفتگی یا یکشنبه) - انطباق نوع بافت با سطح عرضهٔ دست‌فروشان (عرضه در سطح منطقه‌ای، شهری و ...) - تهیهٔ نقشهٔ تجارت شهری - تخصیص فضاهای مازاد یا اتفاقی به دست‌فروشان - سکانس‌بندی پیاده‌رو و پیاده‌راه‌ها برای حضور هم‌زمان دست‌فروشان، ماشین‌ها و پیاده‌ها - ایجاد مناطق موقت برای دست‌فروشی - توجه به مقیاس و اندازهٔ فضاهای فروش - طراحی مشارکتی با فروشندگان خیابانی جهت تأمین ایده‌های نوآورانه در مورد چگونگی حل تعارض‌های فضایی - پوشش کل بازار با سکوها و سقف نیمه‌دائمی حلبی در بازار گوشت و سبزی - استفاده از معابر کم‌عرض با استفاده از سازه‌های موقت برای دست‌فروشان
مؤلفهٔ معنایی- ادراکی	- شناخت شبکه‌ها و پیوندهای موجود (زنجیرهٔ تأمین، مشتریان و جایگاه در سلسله‌مراتب خرده‌فروشی شهری) - در نظر گرفتن خرده‌فرهنگ‌ها و الگوهای رفتاری متنوع - پاسخگویی به نیازهای پایه‌ای دست‌فروشان با هدف حفظ کرامت انسانی - نظارت مستمر مسئولان شهرداری و بازدیدهای چندنوبته هفتگی برای تنظیم رفتار فروشندگان
مضامین نوظهور	- به رسمیت شناختن توافق‌های غیررسمی موجود - طراحی ساماندهی مشارکتی و تدریجی - توجه به ریتم زمانی حضور دست‌فروشان - حمایت از نقش تاب‌آوری معیشتی فعالیت

مشارکت نویسندگان

سهم مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ای در تجارب ملی و بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان در زمینهٔ منظر شهری»، به شماره: ۲۸۰-۶/م/پ |تاریخ: ۱۴۰۲/۸/۱۵؛ مجریان: دکتر رعنا نجاری نابی و دکتر ناهیده رضائی و انجام‌شده در مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز است. لذا نویسندگان مقاله از تمامی خبرگان و کارشناسان مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز که در انجام این پژوهش یاریگر بوده‌اند، تشکر می‌کنند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

یادداشت‌ها

[۱] حساسیت‌های مفهومی (Sensitizing Concepts)، ایده‌ها، مفاهیم یا نظریه‌هایی هستند که ذهن پژوهشگر را نسبت به جنبه‌های خاصی از پدیده حساس و آگاه می‌کنند، اما مسیر تحلیل را از پیش تعیین نمی‌کنند و بر داده‌ها تحمیل نمی‌شوند.

[۲] هشت سازمان مرتبط با موضوع دست‌فروشی وجود دارد که شامل سازمان صدا و سیما (تبلیغات و اطلاع‌رسانی)، ادارهٔ کار و رفاه اجتماعی (در صورت کمبود نیرو در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، وظیفهٔ ارجاع دستفروشان را به این مراکز برای تأمین نیرو دارد)، مسکن و شهرسازی (تأمین مکان و مکان‌یابی مناسب برای ایجاد بازارهای موقت)، نیروی انتظامی (تأمین امنیت و جمع‌آوری دست‌فروشان)، دادگستری (معاونین دادستان، همکاری‌های ملزوم در اجرای طرح و دستورات صادرشده)، سازمان بهداشت و درمان (در حوزهٔ تأمین غذایی توسط دست‌فروشان، مسئولان کنترل این قسمت است)، شهرداری مناطق (معاونت تحقق و اجرای طرح‌های مصوب) و نظارت فرمانداری می‌شود.

منابع

Anaafo, D., Nutsugbodo, R. Y., Agyepong, E., Anane, G. K., Mensah, B. A., & Bata, P. D. (2024). Place-making decisions among informal street food vendors in Sunyani, Ghana. *Cities*, 154, 105328. https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105328

Anjaria, J. S. (2006). Street hawkers and public space in Mumbai. *Economic and Political Weekly*, 41(21), 2140–2146. https://www.jstor.org/stable/4418270.

Bacon E. (1996). Design of cities (F. Taheri, Trans.). Urban Planning and Architecture Research Center of Iran. [In Persian]

Baily, M., Farrell, D., & Remes, J. (2005). *Domestic services: The hidden key to growth*. McKinsey Global Institute.

Banks, N., Lombard, M., & Mitlin, D. (2019). Urban informality as a site of critical analysis. *The Journal of Development Studies*, 56(2), 223–238. https://doi.org/10.1080/00220388.2019.1577384

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Bromley, R. (2000). Street vending and public policy: A global review. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 20(1–2), 1–28. https://doi.org/10.1108/01443330010789052

Chen, M., Vanek, J., & Carr, M. (2004). *Mainstreaming informal employment and gender in poverty reduction: A handbook for policymakers and other stakeholders*. Commonwealth Secretariat.

Cullen, G. (1961). *Townscape*. The Architectural Press.

Cunningham, W., Newhouse, D., Ricaldi, F., Seuyong, F. T., Viollaz, M., & Edochie, I. (2024). *Urban informality in Sub-Saharan Africa: Profiling workers and firms in an urban context* (Policy Research Working Paper No. 10703). World Bank.

de Soto, H. (1989). *The other path: The invisible revolution in the Third World*. Harper and Row.

Dell'Anno, R. (2022). Theories and definitions of the informal economy: A survey. *Journal of Economic Surveys*, 36(5), 1610–1643. https://doi.org/10.1111/joes.12487

Deore, P., & Lathia, S. (2019). Streets as public spaces: Lessons from street vending in Ahmedabad, India. *Urban Planning*, 4(2), 138–153. https://doi.org/10.17645/up.v4i2.2058

Dimas, H. (2008). *Street vendors: Urban problem and economic potential (Working Paper No. 6)*. Center for Economics and Development Studies, Padjadjaran University.

Economic Research Department. (2019). *Smart municipal policy-making for low-capital sellers and street vendors*. Research Center of Tehran Municipality. [In Persian]

Farrell, D. (2004). The hidden dangers of the informal economy. *McKinsey Quarterly*, 2004(3), 26–37.

Fathi S., Dadgarfard Z., Dadandish P., & Zare Z. (2025). Analyzing the lived experience of capable female heads of households in the economic field. *Human Information Interaction*, 11(4): 1–15. [In Persian]

Fugazza, M., & Jacques, J. F. (2003). Labor market institutions, taxation and the underground economy. *Journal of Public Economics*, 88(1–2), 395–418. https://doi.org/10.1016/S0047-2727(02)00079-8

Hamidizadeh, M. (2005). Shadow economy and its social consequences. *Political-Economic Information*, 213–214, 112–125.

Hanser, A. (2016). Street politics: Street vendors and urban governance in China. *The China Quarterly*, 226, 329–348. https://doi.org/10.1017/S0305741016000278

Harris, J. R., & Todaro, M. P. (1970). Migration, unemployment and development: A two-sector analysis. *American Economic Review*, 60(1), 126–142.

Hart, K. (1973). Informal income opportunities and urban employment in Ghana. *The Journal of Modern African Studies*, 11(1), 61–89. https://doi.org/10.1017/S0022278X00008089

International Labour Organization. (2002). *Decent work and the informal economy*. International Labour Office.

International Labour Organization. (2021). *Conceptual framework for statistics on informal economy. Department of Statistics, Working Group for the Revision of the Standards for Statistics on Informality*.

Iranian Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization. (2009). *World Heritage nomination dossier of Tabriz Historical Bazaar Complex*. Deputy of Cultural Heritage.

Jacob, A. A. (2023). Influence of urban street vending on pedestrian experience and behaviour: A systematic quantitative review. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 7(1), 139–163. https://doi.org/10.25034/ijcua.2023.v7n1-10

Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Penguin Books.

Lak A. (2014). Grounded theory applications in urban design research. *Soffeh*, 24(1): 43–60. [In Persian]

Lewis, W. A. (1954). Economic development with unlimited supplies of labour. *The Manchester School of Economic and Social Studies*, 22(2), 139–191.

Lynch K. (2021). The image of the city (M. Mezaini, Trans.). University of Tehran Press. [In Persian]

Maloney, W. F. (2004). Informality revisited. *World Development*, 32(7), 1159–1178. https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2004.01.008

Martínez, L., Short, J. R., & Estrada, D. (2017). The urban informal economy: Street vendors in Cali, Colombia. *Cities*, 66, 34–43. https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.03.010

Mazloomi S., & Attarzadeh M. (2019). *Neighborhood book: Kan*. Lahzeh Yek Publications. [In Persian]

Mazloomi, S., & Estelaji, A. (2021). Organizing retailers with an emphasis on creating seasonal participatory markets and its effects on urban viability (Case study: Kan). *Journal of Urban Research and Planning*, 12(45), 71–84. https://doi.org/10.30495/JUPM.2021.4104

Mir-Ahmadi R. (2018). *An analysis of the drivers of informal economy formation in Sanandaj with emphasis on street vending (Case study: Ferdousi Street between Iqbal Square and Enqelab Square)* [Master's thesis, University of Maragheh]. Faculty of Humanities. [In Persian]

Mohebi M., & Heydari A. (2022). Street hawker as stranger. *Journal of Sociological Review*, 28(2): 9–38. [In Persian]

Moser, C. N. (1978). Informal sector or petty commodity production: Dualism or independence in urban development. *World Development*, 6(9–10), 1041–1064. https://doi.org/10.1016/0305-750X(78)90062-1

Motamedi Mehr A., & Mati Dost Komaleh A. (2010). The role of Langrud Bazaar Park in the spatial changes of the city. *Quarterly Journal of Environmental-Based Territorial Planning*, 11: 27–61. [In Persian]

Nazmfar H., Matie Doost Komaleh A., & Molaei N. (2015). An analysis of street vending in the city and its effects on the volume of urban pedestrian and vehicle traffic (Case study of Langrud). *Regional Urban Studies and Research Journal*, 6(24): 27–47. [In Persian]

Nesaei K., Etesami S., & Aeeni Z. (2025). A survey on street vending and its relationship with urban branding (field of study: Sanandaj city). *Journal of Sociology of Culture and* Art, 7(3): 23–39. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/scart.2025.141244.1522

Pakzad J. (2003). Elements and landscape qualities of urban space. *Abadi Journal*, 38: 115–124. [In Persian]

Pakzad J. (2016). Theoretical foundations and urban design process. *Shahidi Publications*. [In Persian]

Pasandeh M., Savadian P., & Karimian H. (2022). Identity types of women vendors in Tehran subway. *Female Police Studies*, 16(36): 1–27. [In Persian]

Peimani, N., & Kamalipour, H. (2025). Mapping the spatiality of informal street vending. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 18(3), 329–348.

Portes, A. (1994). The informal economy and its paradoxes. In N. J. Smelser & R. Swedberg (Eds.), *The handbook of economic sociology* (pp. 426–449). Princeton University Press.

Rauch, J. (1991). Modeling the informal sector formally. *Journal of Development Economics*, 35(1), 33–47. https://doi.org/10.1016/0304-3878(91)90065-4

Recio, R. B., Mateo-Babiano, I., & Roitman, S. (2017). Revisiting policy epistemologies on urban informality: Towards a post-dualist view. *Cities*, 61, 136–143. https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.08.018

Rezaei N., & Najjari Nabi R. (2024). A review on the international experiences of organizing peddlers with an emphasis on the role of peddlers in the urban landscape. *Urban Economics and Planning*, 5(1): 154–170. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/uep.2024.451998.1476

Roever, S., & Skinner, C. (2016). Street vendors and cities. *Environment and Urbanization*, 28(2), 359–374.

Romero, R. (2009). *The dynamics of the informal economy*. Oxford University Press.

Rostow, W. W. (1960). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto* (1st ed.). Cambridge University Press.

Roy, A. (2005). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147–158. https://doi.org/10.1080/01944360508976689

Roy, A. (2015). Urban informality: The production and regulation of space. In J. D. Wright (Ed.), *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (2nd ed., pp. 818–822). Elsevier.

Sadeghi M., Baferani J., Mahdavi P., & Gholamrezaei Z. (2020). Spatial investigation and organization of hawkers in District 10 of Tehran City with an emphasis on problematic areas. *Journal of Urban Economics and Planning*, 1(1): 36–47. [In Persian].https://doi.org/10.22034/UE.2020.09.04

Saha, D. (2011). Working life of street vendors in Mumbai. *The Indian Journal of Labour Economics*, 54(2), 301–325.

Salehifard M. (2009). The phenomenon of street vending and goods smuggling: Interactions and impacts of vendors in Mashhad. *Salem Economy*, 429: 1–18. [In Persian]

Salimifar, M., & Keivanfar, M. (2011). Informal economy in Iran and the effect of inflation on it. *Knowledge and Development*, 17(33), 1–26.

Shieh I., Behzadfar M., & Namdariyan A. A. (2017). Formulating an urban landscape framework via the theory of production of space and forces affecting urban landscape. *Urban Studies Journal*, 24: 81–94. [In Persian]

Taheri Tafti M. (2021). An analysis of the formalisation policies regarding street vending. *Majlis & Rahbord*, 28(107): 59–85. [In Persian]

Tallavajjula, N. S. (2023). Towards socio-spatial equity in public space: Urban design for street vendors in Hyderabad. *The Journal of Public Space*, 8(1), 103–122. https://doi.org/10.32891/jps.v8i1.1652

Thomas, J. J. (1995). *Surviving in the city: The urban informal sector in Latin America*. Pluto Press.

Vahdat, S. .,Sajjad-Zadeh, H., & Karimi.M., M. (2015). Conceptualizing the factors affecting of streetscape to promote the legibility of urban spaces (Case Studies: Hamedan inner city streets). *Motaleate Shahri*, 4(15), 17-36.

Williams, C. C., & Lansky, M. A. (2013). Informal employment in developed and developing economies: Perspectives and policy responses. *International Labour Review*, 152(3–4), 355–380. https://doi.org/10.1111/j.1564-913X.2013.00196.x

Woldeamanuel, M., Abebe, N., & Supangkat, F. (2023). Street vending on Addis Ababa's sidewalks: A sign of vibrancy and identity or a nuisance for pedestrians? *Journal of Urban Affairs*, 45(3), 317–334. https://doi.org/10.1080/07352166.2021.2014764

Zhang, X., & Zhao, L. (2025). The informal economy: A Veblenian perspective. *Journal of Economic Issues*, 59(2), 445–452. https://doi.org/10.1080/00213624.2025.2493535